



# طلوع وحدت

ارگان نشریات مترجمین کور حزب وحدت اسلام افغانستان - کابل

شماره (۳۶) - سال سوم حوت ۱۳۷۲ هـ ش ۱۴۱۴ هـ ق ۱۹۹۴ میلادی

صفحه ۵



سردار آصف  
احمد علی وزیر  
خارجہ پاكستان

با استاد مزاری ملاقات کرد

۲۱ رمضان

## شهادت مولای متقیان علیؑ را بھمہ مسلمین جھان تسلیت عرض مینمایم

### شاه و ژنرال، جنگ و ائتلاف

حاج محمد محقق دایکندی

حاکمیت مجاہدین افغانستان، در قالب دولت اسلامی و نام نهاد آقای ربانی و طرفدارانش در کابل و بوجود آمدن بیش از ۲۰ جنگ خونین و خانمانسوز در پایتخت و سایر ولایات کشور خصوصاً "درگیری بیسی سابقه اخیر بین طرفداران جمعیت اسلامی و اتحاد سیاف از یکطرف و هواداران آقاسای حکمتیار و نظامیان ژنرال دوستم از طرف دیگر انہم با استفاده از جنگندہ های بمب افکن

صفحه ۳

یکی از حوادث و تحولات تلخ و رقت بار در تاریخ مبارزات حق طلبانہ ملت مسلمان و دلبر افغانستان و قضاای داغ و تاسف آور، در سطح رسانہ های خبری دنیا، روزنامہ و نشریات جھان، وقوع جنگهای پی در پی داخلی و درگیریهای خونین نظامی و جبار و جنجالهای تمام نشدنی سیاسی بین رہبران جھادی و در واقع تشنه گان قدرت و چوکی و ریاست در افغانستان میباشد.



### جنگهای ویرانگر کابل

مراجعه و مطالعه در تاریخ شروع و پایان نشان میدهد که " صرف نظر از عصر افسانہ و اساطیر " در عصر ثبت تواریخ و تمدن جوامع بشری، جھان گشایان و توسعه طلبان و شرارت پیشہ گان برای رسیدن بہ مقصود و مطلوب و اھداف پلید و شیطانی شان و اشباع حرص و غریزه توسعه طلبی و سلطہ جوئی کشتار و وحشیانہ رامتکب شدہ اند و قتل عام ہائی را انجام دادند، کشور ہا را برباد کردہ شہر ہا را تخریب و با خاک یکسان ساختہ شہرہای قشنگ و ربیاریابہ و بیارنہ و خرابہ های وحشتناک تبدیل نمودہ از کشتہ ہا پستہ ہا و از سرہای بریدہ انسان های مظلوم ہم نوع خود گلہ منار ہا درست کردند تا بقیہ السیف و باز ماندگان قدرت مقابلہ و بانمردوسرکشی رانداشتہ بر دہ مطلق و مطیع و فرمان بردار - محض باشند و بویژہ احوال جھان گشایان در تاریخ قارہ اسبیرامی خوانیم کہ جھانخواران و توسعه طلبان و سلطہ جویان کہ تسخیریگ شہر دوشہر، یک کشور یا دو کشور حرص قدرت - طلبی و سلطہ جوئی شان را اشباع و اقناع نکردہ

صفحه ۲

انچه میخوانید

- ۱- جنگهای ویرانگر کابل
- ۲- سردار آصف علی با استاد مزاری ملاقات
- ۳- ۲۱ رمضان سالروز شهادت مولای متقیان
- ۴- شاه و ژنرال، جنگ و ائتلاف
- ۵- گزیده از سخنرانی استاد اکبری
- ۶- ماه رمضان در بیان رسول خدا (ص)
- ۷- افغانستان در آینه مطبوعات پاکستان
- ۸- سراج التواریخ و تجدید چاپ آن
- ۹- خاطره از شہر خونین کابل
- ۱۰- شعر معاصر افغانستان
- ۱۱- رویدادهای خبری
- ۱۲- نامه های رسیده
- ۱۳- وصیتنامہ امیر المؤمنین علی (ع)

صفحه ۱۰

### \* گزیده از سخنرانی استاد اکبری

صفحه ۱۱

### \* ماه رمضان در بیان رسول خدا (ص)

صفحه ۷

### \* افغانستان در آینه مطبوعات پاکستان

صفحه ۶

### \* سراج التواریخ و تجدید چاپ آن

صفحه ۸

### \* خاطره از شہر خونین کابل

صفحه ۸

### \* شعر معاصر افغانستان

صفحه ۱۲

### \* رویدادهای خبری

صفحه ۹

### \* نامه های رسیده

### ارزوهای شوم در افغانستان فاجعه آفرید

ودلخراش شکنجہ شوندگان از پشت دیوار های زندان قلب ہا را محزون و بارمصاب و غم ہا را فرونی می بخشید، گردوغبار فقر و تنگ دستی ہرگز از چہرہ ہا زدودہ نشد و اطفال های معصوم و بی گناہ وطن باشکم سیبر نخواہیدند، مگر فرزندان امیران و حاکمان جابر کہ در سایہ میراث اجداد از ہمہ چیز بزر خور دار بودند.

صفحه ۴

ملت زجر دیده افغانستان در طسول چندین قسرن اسیر نظام های فاشستی و استبدادی بودہ و عروس عدالت طی چندین صد سال ازین کشور رنجیدہ و رخت سفر بستر بستہ بود، مردم با چہرہ های غم گرفتہ انتظار برگشت آن محبوبہ را میکشیدند. در آن سالہا آسمان کشور ماتاریک، افتاب زکیم نور و صہتاب گرفتہ بنظر میرسید، زندگیا تراوت نداشت، صدای حزن انگیز

## جنگهای ویرانگر کابل

تسخیر یک قاره را در نظر گرفته سراسر آسیا را تسخیر نموده برای تحقق بخشیدن اهداف پلید و شوم و شیطانی جهان خواری و دست یافتن به امپراطوری بزرگ دهها کشور و صدها شهر را تخریب کرده ، آتش زده قتل عام نموده همه چیز را لگد مال ، تجاوز و سبانه و وحشیانه کرده است حتی در جنگ های جهانی اول و دوم میلیون ها انسان قتل عام شده و صد ها شهرویران و ساک خاک یکسان گردیده همه آن سفاکیها و جنایات هانگ بشریت است و انسان های با وجدان از آن متنفر است ، روی هم رفته جنگ های جهان گشایان و جهان خواران و دیکتاتوران برای اشغال خاک دیگران و تسخیر شهر و کشور بیگانگان بوده است .

جنگ های خونین و ننگین ، جنون آمیز انحصار طلبان و دیوانگان و تشنه گان قدرت در کابل برای تخریب شهر و خانه خود و کشتن برادران و هم کیشان است ، به تعبیر دیگر قتل عام ملت و مردم و برادران جهادی و افغانی شان و خراب کردن و آتش زدن خانه های خود ایشان و غارت کردن و در باد دادن سرمایه های ملی و دولتی خود ایشان است که دود آن به چشم خود آنان می رود . با اینکه در جنگ های خونین گذشته و یک نیم ساله بخش های عمده شهر کابل خراب شده قسمت های وسیع شهر خصوصا بخش های مرکزی و غربی و ۰۰۰ شهر بویرانه و حشنتناک تبدیل گردیده است و صدها هزار نفر از اهالی شهر کابل که تمام هستی و دارائی شان سوخته و غارت شده و از بین رفته در بدر مهاجر و مسافر پاکستان و ایران و نقاط امن در داخل افغانستان شده است .

مردمان باقیمانده و زجر کشیده کابل که با مشکلات زیاد روبرو بودند کمبود مواد خوراکی و سوخت زمستانی و سرمای شدید هوای برفی و یخبندان شهر کابل و ۰۰۰ خیال میکردند شاید از جنگ و کشتار در امان باشند دولت به اصطلاح اسلامی کابل را اداره نماید .

ولی جنگ شدید و جدید که از اول سال میجی ( بین نیروهای ریس جمهور و صدراعظم ) که در جهان رسماً دارای این عنوان هستند آغاز شد ، تمام امیدها را تبدیل به یاس کرد و همه ارزوهارا در باد داد ، شهر جنگ زده کابل را به جهنم سوزان تبدیل کرد ، جنگی که خونین ترین و ویرانگر ترین و طولانی ترین جنگ کابل است و تا حال ادامه دارد ، باقیمانده شهر کابل را ویران ساخت و سرمایه های شخصی و ملی را در درباد کرد و صدها هزار نفر از مردم رجزدیده را در بدترین وضع متواری ساخت و ۰۰۰

اقای ربانی از همان آغاز ریاست جمهوری و در همان دوره چهار ماهه حکومتش عدم لیاقت و عدم کفایت ایشان برای این پست ظاهر شد و هیچ گام مثبت برداشته نتوانست و یک لحظه جنگ را خاموش نکرد ، برای حفظ ریاست جمهوری خودش و حاکمیت جمعیت اسلامی جنگ های خونین را در کابل و سراسر کشور بر راه انداخت و زمینه جنگ های طولانی را فراهم ساخت ، شورای مصلح و قلابی با سم ( شورای حل عقد ) را تشکیل داد ، همین درگیری سراسری افغانستان بهترین دلیل قلابی بودن و اجبر بودن افراد ذلیل و پست در آن شور است ، اگر

ملت در آن سهم میداشتند حد اقل آریگ گوشه کشور برای حمایت ارقای ربانی فریاد بلند میشد در حالیکه حتی از افراد ( جمعیت اسلامی خودش ) صدای مخالفت هابلند است به عوض اینکه زمینه قطع جنگ را فراهم سازد برای حفظ قدرت در تلاش است جنگ و جنایت را ادامه بدهد ، برای تشدید جنگ " بگمان خود " فتوای جهاد را صادر میکند تا دیروز در پیاسخ خبرنگاران از نیروهای جنرال دوستم میگفت دیگرمیشه وجود ندار داین هابرا در آن ما و افراد وزارت دفاع است ، امروز تکفیر مینماید و ۰۰۰ تجربه طولانی دور حکومت مجاهدین ثابت کرد که بانبروی نظامی و طرح های جنگی قضایای افغانستان قابل حل نیست ولی بار هم جنگ و کشتار و تخریب را ادامه میدهند .

حزب وحدت اسلامی افغانستان همیشه مخالف جنگهای داخلی بوده است و جنگ را راه حل نمیداند که این مطلب بارها از سوی شورای عالی نظارت و شورای مرکزی حزب وحدت بیان شده بویژه از طرف دبیر کل حزب وحدت اسلامی مجاهد خستکی ناپذیر جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای مراری بارها در مصاحبه ها و بیانیه ها اعلام شده است و هیچ گاه حزب وحدت اسلامی جنگ طلب نبوده است ولی در کابل که جنگ های راتحاد سیاف شورای نظار آقای مسعود وزارت دفاع دولت آقای ربانی بارها به حزب وحدت تحمیل کردند مجبوراً " حزب وحدت از خود دفاع نماید و هم جانانه و مردانه دفاع کردند و قهرمانانسه جنگ شدند و مشت محکمی در دهان متجاوزین کوبید که خیال تجاوز را از کله های شان پراندند حزب وحدت اسلامی تا مورد تهاجم قرار نگیرد جنگ طلب نیست و جنگ را راه حل نمیداند .

حزب وحدت خواسته های معقول و مشروع برای ملت خود دارد که از راه تفاهم بدست می آید و چاره نیست جز اینکه بحقوق طبیعی و خواست عقلانی حزب وحدت اسلامی تن در دهند .

در این جنگ مهلک و ننگ آور حزب وحدت اسلامی بی طرف است و از طرفی درگیر خواهان قطع جنگ و پیش گرفتن راه تفاهم است ، امروز حزب وحدت و منطقسه و مردمش میزبان هزاران نفر جنگ زده از مناطق شرق و شمال شهر کابل است آه از اقوام مختلف به حزب وحدت پناهنده شده و در منطقسه حزب وحدت هجرت کرده اند که با اغوش باز از آن ها پذیرائی نموده و نان خود را با آنها تقسیم کرده است .

حزب وحدت برای برقراری امنیت در کابل خواهان استعفای آقای ربانی از ریاست و کناره گیری آقای حکمتیار از صدارت است تا اداره کشور بدست شورای جهادی قرار گرفته از طریق انتخابات ( در شرایط خاص ) ریاست دولت تعیین گردد .

حزب وحدت اسلامی برای حل قضایای افغانستان طرح مشخص دارد که باید چهار حزب بزرگ مربوط به چهار ملت بزرگ ساکن افغانستان حزب وحدت اسلامی ، حزب اسلامی افغانستان ، جنبش ملی اسلامی افغانستان و جمعیت اسلامی افغانستان مربوط به هزاره و پشتون و ازبک و تاجیک با توافق و تفاهم

باید دیگر و با هماهنگی احزاب دیگر و بقیه ملیت ها قدرت را در افغانستان بدست گیرند و برنامه تشکیل دولت با ثبات از طریق انتخابات آزاد بر مبنای نفوس ملیت های ساکن در افغانستان را آماده سازد .

پایان

### بقیه از : آرزوهای شوم در افغانستان ...

د - در جریان انقلاب اسلامی افغانستان بیک انبار اسلحه و امکانات نظامی تبدیل شده بود از یک طرف روسها بطور سرسام آور پیشرفته ترین تسلیحات را در جهت کوبیدن مجاهدین و حراست از حکومت مارکسیستی کابل واردی کرد ، از جانب دیگر غرب و کشورهای مسلمان در تقویت مجاهدین بطور چشم گیر امکانات نظامی امداد می نمودند . با وجود نبردهای سنگین چهار دهه ساله که در جوار هر پارچه سنگ و وطن ماتوخته از آهن قرار گرفته است و دو طرف درگیر در طی جنگ های سنگین بیشترین امکانات نظامی را خرج دادند در تحول سال ۱۳۷۰ و پیروزی انقلاب اسلامی امکانات بی حد و حصر ، دیوهای بزرگ هواپیماهای پیشرفته نظامی و ۰۰۰ به تصرف مجاهدین قرار گرفت که برای آینده کشور و ارتش ملی و اسلامی ارزش بررک و حیاتی داشت .

امداد اثر جنگ ها و نبردهای وحشتناک فعلی همه نابود و طعمه حریق میگردد ، در نهایت یک کشور ضعیف و ضربه پذیر خواهیم بود و در برابر تحریکات و مداخلات بیرونی توان لازم را نخواهیم داشت ، موارد متعدد دیگر نیز وجود دارد که پی آمد آرزوهای شوم و پلید یک عده عناصر خائین و انحصار گرا بوده و برای نهضت های اسلامی ، مردم ستمدیده و وطن عزیز ما فاجای بزرگ و جبران ناپذیر بیار آورده است .

پایان

### بقیه از : ملاقات و روبرو چاره پاکستان

#### استاد مراری

حذانی ملاقات کردیم و در این زمینه پیشنهاد داریم که در آینده با کمک سایر کشورهای اسلامی مطرح خواهیم کرد ، وی افزود آرزوی دولت پاکستان و ایران ، عربستان ترکیه ، چین و کشورهای همسایه اینست که هر چه زودتر جنگ خانم یافته ، صلح و آرامش در افغانستان برقرار گردد ،

اقای اصف علی اظهار امیدواری نمود که رهبران جهادی در رابطه به حذف مشکلات افغانستان از خود انعطاف بیشتری نشان دهد متعاقباً " استاد مراری ضمن خیر مقدم گفتن به هیئت پاکستانی ، از کمک های مردم پاکستان در طول چهار دهه سال جهاد تشکر نمود افزود ، این ارتباط نزدیک دولت افغانستان و پاکستان سرچشمه میگردد از علایق اسلامی دولت و مردم ما از اقدامات اخیر شما تقدیر میکنیم ، استاد مراری ادامه داد ، تمام کشورهای اسلامی در شکست روسها در افغانستان با ما کمک کردند ، امانتش پاکستان بسیار برجسته و قابل قدر بود ، متأسفانه جنبه روسها از افغانستان خارج شدند ، دولت دست نشانده آنها نیز در حال سقوط بود که دولت فراگیر بوجود نماند و باعث اختلافتان گردید که برای مردم افغانستان بسیار سنگین تمام شد و افتخارات جهادی

# شاه و ژنرال، جنگ و ائتلاف

وصدها دستکاه توپ و تانک و هزاران نفر از افراد مسلح و بیاده نظامی در شهر ویران شده کابل، نه تنها مردم ستم دیده و جنگ رده افغانستان را از مدعیان خدمت به اسلام و کشور رشد و شکوفائی بنییه اقتصادی، آبادی و توسعه مراکز درمانی و آموزشی و ۰۰۰ نامید ساخته بلکه رور بروز موج تنفروانزجار عمومی کشورها و ملیتهای آزاده جهان رانسبت به رهبران جهادی افغانستان بیشتر نموده است.

چه اینکه پس از سقوط رژیم منفسور نجیب، حکمرانان و گردانندگان دولت اسلامی، بجای برنامه ریزی برای آبادی و باز سازی کشور، تا مین صلح و امنیت، تحکیم پایه های وحدت و عدالت اجتماعی و تشریک مساعی جهت تشکیل حکومت اسلامی جامع و فراگیر با حضور همه اقوام و طوایف و احزاب اسلامی و مجاهدین افغانستان، باراه اندازی جنگ و درگیری و تدارک حمله وسیع نظامی و تبلیغاتی و بذل و بخششهای غیر مسئولانه پولی، در راستای حفظ و ادامه قدرت تیک حربی و نژادی از امکانات موجود و بیت المال مسلمین، کشور اسلامی و بخون خفته افغانستان را چند برابر از گذشته، ویران کرده و تمام هستی و دارائی مردم فقیر و در بدر انرا از طریق گلوله باران و موشکباران مداوم و چپاول و غارتگری و آتش ردن مغاره ها و تخریب منازل و ۰۰۰ بر باد فنا دادند.

لذا با تمام تحولات کوچک و بزرگ، فرار و نشیبهای مختلف و بوجود آمدن ائتلافها و دشمنی های زود گذر و متعدد، در دوران یکسال و نیم حکومت پرجنجال و ماجرا فرین در کابل آنچه که امروز در سطح رسانه های خیری دنیا بیشتر تکیه شده و مورد تحلیل و تجزیه گران و ناظران سیاسی جهان قرار گرفته است، جنگ جاری بین نیروهای آقای احمد شاه مسعود و وزیر دفاع سابق و بازوی پرتوان نظامی و اردوی اسلامی آقای ربانی و نظامیان ژنرال دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان میباشد. این حادثه تلخ و ناگوار جدید از انجائیکه خبر از ائتلاف آقای حکمتیار و ژنرال دوستم از یک طرف و آقای سیاف و ربانی از طرف دیگر و آغاز جنگ خونین علیه همدیگر داده و حاکی از آینده تاریک و پیچیده میباشد یکبار، همگان را به تعجب فرو برده و پرسشهای فراوانی را در اذهان آنان ایجاد نموده است که:

## چرا این بار جنگ شروع شد؟

آنهم جنگ بین کسانی که تا دیروز در کنار هم قرار داشتند " بین شاه و ژنرال؟ ۱۱؟ و ائتلاف بین چه کسانی؟ ۱۱؟ - آقای حکمتیار و ژنرال دوستم ۱؟ لذا میتوان گفت که دو حادثه کاملا جدید و تازه در صحنه سیاسی و نظامی افغانستان بروز کرده است و معلوم نیست که بکجا منتهی خواهد شد؟ اکنون که یکماه و دو هفته از شروع این جنگ ویرانگر و خونین میان طرفهای متخاصم می گذر ده چنان این سئوالات در ذهن باقی است که:

آیاتادیر و آقای ژنرال دوستم و نظامیان وی جرء اردوی اسلامی شاه و پروفیسور (وزیر دفاع وریس جمهور نبود؟ آیاتادیر و آقای مسعود و ربانی بعنوان وریس دفاع وریس جمهور دولت اسلامی بطرفداری-

از آقای ژنرال دوستم علیه آقای حکمتیار رهبر حزب اسلامی وارد جنگ نشد؟

آیاتادیر و آقای مسعود و ربانی در کنار نیروها بعنوان قلع و قمع مخالفین خویش ارتفنگداران ژنرال دوستم در کابل استفاده نمیکرد؟

آیاتادیر و ژنرال دوستم من ارژنرالان معروف جنبش ملی و همکارانش، در راستای حمایت از دولت علیه نیروهای حزب وحدت اسلامی افغانستان جنگ را در دارالامان و ۰۰۰ شروع نکرد؟

آیاتادیر و رییس جمهور افغانستان آقای ربانی در پی سفر یکشورهای خارجی آقای ژنرال دوستم را بعنوان فرد شایسته و مورد اعتماد، قائم مقام خویش در قصر گلخانه (مقر ریاست جمهوری) ساختند؟

آیاتادیر و ژنرال دوستم و افسران تحت فرمانش، پس از فتح مزار شریف، با همکاری سرنوشت ساز حزب وحدت اسلامی، زمینه انتقال احمد شاه مسعود و نیروهای وی را در کابل فراهم کرده و از وزارت دفاع افغانستان نرساند؟

و از طرف دیگر، مکرر تادیر و آقای حکمتیار بهانه حضور نیروهای ملیشه ای در کابل ژنرال دوستم و نیروهایش (چندین بار شهر کابل را از طریق گلوله باران و موشکباران مورد حمله قرار نداده بود؟

حکمتیار رهبر حزب اسلامی یکی از علل عمده مخالفتش را بدولت آقای ربانی و مشروعیت بخشیدن به آقای ژنرال دوستم و همکاری با وی را ذکر کرده بود؟

پس از ذکر نکات مذکور، با توجه به عملکرد گذشته طرفهای درگیر باید گفت که در تمام موارد فوق، پاسخ پرسشها مثبت بوده و حضور نیروهای جنبش ملی اسلامی رهبری ژنرال دوستم بعنوان یک ارتش منظم و مجهز از نظر نظامی و سیاسی، سبب تحکیم پایه های دولت مترلرل و بی ثبات، انحصاری و یکطرفه آقای ربانی شده و او را در بدترین شرایط سیاسی و نظامی بوجود آمده از درگیرها و جنگ های داخلی میان رهبران جهادی افغانستان از سقوط حتمی نجات دادند.

باوصف اینکه جنبش ملی نیرینوبه خود از مزایای دولت آقای ربانی بی نصیب نبوده و بیشتر از احزاب اسلامی و جهادی دیگر چون: حزب وحدت اسلامی، حزب اسلامی جنبه نجات ملی و ۰۰۰ مورد لطف و محبت رییس دولت و وزیر دفاع سابق (ربانی و مسعود) قرار گرفته و در محافل خارجی چنین وانمود می شد که نیروهای جنبش ملی یگانه پاروی پر قدرت و سرکویگر نظامی و کارآمدترین ماشین جنگی دولت و جمعیت اسلامی در برابر حملات مخالفان آنان خواهد بود و در مراحل مختلف جنگهای بوجود آمده بین جمعیت اسلامی و حزب اسلامی و جمعیت و حزب وحدت اسلامی (دریک جنگ) نیروهای جنبش در کنار افراد نظامی شورای نظار علیه مخالفان وی جنگیده و تلاش داشتند که شهر کابل را بقول آنان از وجود نیروهای مسلح غیر مسئول و دولتی پاکسازی نمایند.

براین اساس لازم بنظر رسید که عوامل و انگیزه های بوجود آمدن ائتلاف و جنگ شاه و ژنرال را بطور گذر ارزیابی نموده و اهداف آقای حکمتیار و همپیمان جدیدش ژنرال دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی و به تعبیر صحیحتر شورای عالی هماهنگی انقلاب اسلامی از جنگ جاری بین طرفین را ذکر نماییم که این امر بنوبه خود بستگی به بحث و بررسی پیرامون مسایل زیر خواهد داشت.

۱- ائتلاف ژنرال دوستم با احمد شاه مسعود و عوامل آن

- ۲- اهداف احمد شاه مسعود از ائتلاف
- ۳- علل مخالفت حکمتیار با جنبش ملی در گذشته
- ۴- اهداف مخالفان ربانی از ائتلاف جدید
- ۵- نتایج و پیامدهای جنگ جاری

## ۱- ائتلاف ژنرال دوستم و عوامل آن:

قبل از توضیح مطلب، به این نکته اساسی باید توجه نمود که یکی از عوامل مهمی که در براندازی و سقوط رژیم منفور و غیر قانونی نجیب، سرعت بخشید وجود درگیرها و کشمکشهای سیاسی و نژادی درون دولتی بود و نجیب بعنوان رییس جمهور و بالاترین مرجع اداری در دولت وابسته به بیگانه، سعی داشت که از طریق ایجاد اختلاف و بالا بردن حساسیتهای قومی و نژادی و ۰۰۰ پایه های حکومت استبدادی و انحصاری ضد اسلامی خود را در افغانستان محکمتر کرده و از سقوط نجات بدهد.

چنانچه در اواخر حکومت وی، تلاش همه جانبه صورت می گرفت تا مرکز مهم نظامی و سیاسی و ارگانهای حساس دولتی را از وجود سایر اقوام خصوصا " فارسی زبانها (ازبک، تاجیک، هزاره) تصفیه کرده و از افراد سیاسی و افسران و نظامی های پشتوزبان، بجای آنان جایگزین نماید.

پس از اعمال حرکتهای تعصب آمیز و عزل و نصب هادر کابل، مزار شریف و ۰۰۰ در راستای این سیاست، عناصر مهم دولتی خصوصا " فرماندهان و افسران عالی رتبه نظامی با نیروهای تحت فرمان شان از اقوام ازبک، تاجیک هزاره که سالها در حفظ قدرت و بقا، حکومت کمونیستها خصوصا " شخص نجیب خدمت نموده بودند از رژیم پوشالی و مز دور کابل روی گردان شده و زمینه پیوستن آنان را به احزاب اسلامی افغانستان (مجاهدین) فراهم گردید.

بدین ترتیب ژنرال دوستم و افسران تحت فرمانش در شرایطی که زمزمه حل بحران قضیه کشور از طریق برقراری مذاکره ( در واقع تشکیل دولت ائتلافی از مجاهدین رژیم) در مجامع جهانی مطرح شده و اکثریت مجاهدین و رهبران جهادی نیرانرا پذیرفته بودند پشت به رژیم مارکسیستی کرده و در اواخر سال ۱۳۷۰ طی تماسهای مکرر آنان با حزب وحدت اسلامی در شمال و انعکاس پیوستن ژنرالان مذکور به شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان در میان و موافقت آن - شوری، توافقنامه همکاری مبنی بر سقوط شهر مزار شریف و نهایتا " شمال کشور را دعوت از آقای احمد شاه مسعود، بین آنان امضا گردید.

گرچه بعضی از سران جهادی در آن زمان بخود این جرئت رانمی دادند که پیامد موضوع پیوستن ژنرالان ۰۰۰ را در شمال کشور بعهده بگیرند، حزب وحدت اسلامی با توجه به این دلیل که هدف از ۱۴ سال قیام مسلحانه و جهاد کفر بر انداز مردم مظلوم افغانستان سقوط رژیم خلقی و تشکیل دولت اسلامی در کشور میباشد و سرانجام این تحول بزرگ نظامی زمینه سازی برای پیروزی انقلاب



## آرزوهای شوم

### د افغانستان فاجعه آفرید

دران زمان مردم قبل از همه چیز به مرگ می اندیشیدند و تنهاراه نجات ارجهنم زندگی را در سایه عدالت میدیدند ، بنا " روز بروز گلوها بغض گرفته و چهره ها خشمگین میگردد .

باروی کار آمدن کودتاجیان مردور و حاکمیت نظام الحادی بر مصائب و گرفتاری های مردم افزوده شد و بیشتر از پیش زمینه انفجار و انقلاب میسر گشت ، باشلیک اولین سفیر گلوله در جهت کوبیدن و اضمحلال دولت کمونستی کابل خروش اله اکبر در اسمان کشور طنین انداز گردید و پرده سکوت را درید نور آزادی در فضای تاریک و غم گرفته وطن چرقه داد و مردم ستم دیده و در بند مارا بیه آینده روشن و درخشان نوید بخشید ، ملت جهاد گر ما در آغازین روزهای انقلاب علاوه بر نابودی حکومت پو شالی و مردور کابل خواستار حاکمیت نظام اسلامی و استقرار عدالت اجتماعی شدند و با همین هدف وانگیزه تفنگ بدوش گرفتند و تا سقوط حکومت نجیب آخرین مهره ک - ج - ب به مبارزات قهرمانانه شان ادامه دادند .

با فروپاشی حکومت نجیب و پیروزی انقلاب اسلامی مردم بلا دیده وطن که دوران پسر مشقت جهاد چهارده ساله را پشت سر گذاشته بودند امید و انتظار صلح ، امنیست ثبات و آرامش را داشتند همه علاقه مند بودند که ویرانی ها و تخریبات ناشی از تجاوز ارتش سرخ و جنگ و جهاد را اعمار مجدد نموده و به آبادی کشور مخروبه شان تلاش ورزند .

و نیز ایمان و اراده های مصمم و خلل ناپذیری که بر اتم و تسلیحات پیشرفته شیمیائی و ارتش منظم و سازمان یافته و رشوقا بیق یافته بود برای ملت های در بند و محکوم جهان پیام داشت و آن دعوت ملت های اسیر و مظلوم بسوی آزادی و نجات مستضعفین جهان از قید و بند نظام های استبدادی و وابسته و مبارزه بی امان در برابر قدرت های استعمار گرو استکباری بود .

بر همین مبنا و با ورا اولین روز پیروزی رو رود - مجاهدین در شهر کابل تنها جشن و پیروزی - برای ملت نجیب مامحسوب نمیشد بلکه امت اسلامی در سراسر جهان اشک شوق ریختند نهضت جهانی اسلام بخود بآید و جنبش های آزادی بخش دنیا افتخار کردند و به آینده امیدوار گشتند .

رهبران جهادی میتوانستند با حاکمیت نظام اسلامی ، گسترش عدالت اجتماعی و ایجاد روحیه اخوت و برادری در بین همه اقشار جامعه و در کل با استحکام یک دولت فراگیر و ملی رسالت مکتبی را انجام و ارمان های جهادی را تحقق بخشند .

ما معتقدیم آنانیکه بر اساس اهداف اسلامی مبارزه را آغاز نموده بودند و پیروزی واقعی را در گسترش عدالت میدیدند هرگز

راضی به حل قضیه از طریق نظامی گری و جنگ نبوده ، مذاکرات سیاسی ، تحمل همدیگر و تفاهم ملی را اصولی ترین راه در جهت احقاق حقوق همه و رسیدن به ساحل صلح و ثبات میدانستند .

اما با کمال تاءسف عناصر ضد ملی ، انحصار گرایان فاشیزم و ... که در جریان انقلاب و جهاد

رهائی بخش مردمان ازاده ، مانقاب به چهره داشتند و به مکر و دروغ شعار اسلامی میدادند بر خون های پاک و مقدس شهدا میلیونی پا گذاشتند با مقاصد و آرزوهای شوم نه تنها زمینه ساز و پدید آورنده جنگ های خانمانسوز و ویرانگر کابل گردیدند بلکه بذر کینه و نفاق را در بین ملت وحدت خواه و وطن دوست ما پاشیدند ، جنایات وارده در کابل یک پدیده - جدید و دور از انتظار نبوده و نیست چنانچه قبل از پیروزی نیز زمانی که تجاوزگران خارجی و سرسپردگان داخلی به قتل و کشتار بی رحمانه ادامه میدادند ، عناصر خودخواه و قدرت طلب جنگ های خونین گروهی ، قومیتی و منطقه و ... در بین نیروهای جهادی بوجود آوردند که در اثران فتنه هابترین فرزندان - جهاد و سرداران سلحشور وطن قربانی گردیدند اختلافات و تضاد های گروهی ، تعصبات کور روحیه فاشستی و انحصار طلبی اوضاع و شرایط را قبل از سقوط دولت نجیب طوری متشنج ساخته بود که هر صاحب نظر اینده را وخیم و افغانستان را در فرادی پیروزی بحمام خون تشبیه میکردند .

و سرانجام جنگ قدرت و آرزو سلطه مطلقه کابل را به تنوری از آتش مبدل ساخت دو سال جنگ و کشتار ، اصابت موشک ، راکت و هوا و انبرد کوچه به کوچه کابل خونین را بیک شهر مخروبه و خاکستری تبدیل نمود و در طی این زد و خورد دهانه تنه امر دمان شریف و عدالت پسند ان سامان به تباهی کشیده شده و سرمایه های ملی نابود و با بغارت رفته است بلکه دست آوردها و موفقیت های چشمگیری که از رستاخیز تاریخی ملت ما در طی چهارده سال نبرد قهرمانانه بدست آمده بود نیز لکه دار گردید ذیلا " به چند مورد ان مختصرا " اشاره میگردد .

الف - در دوران جهاد مردم ما توانسته بودند روحیه ای آزادی خواهی و اهداف حقی طلبانه شان را برای جهانیان ثابت و مقاصد شوم تجاوزگران و مزدوران داخلی انانرا بر ملا نمایند و در نتیجه از پشتیبانی مجامع بین المللی ملت های اسلامی ، نهضت های آزادی بخش و عموم کشورهای بشردوست جهان بهره مند گردند .

در اثر مقاومت دلیرانه جهاد گران هر روزی که میگذشت زمینه شکست و فروپاشی امپراطوری جهان خوار شوروی سابق مساعد و شرایط پیروزی و نجات مردم ما بیشتر از پیش میسر میگشت به افتخار این حرکت حق طلبانه و تاریخی اکثریت کشورهای جهان و سازمان های بین المللی مادگی شان را در جهت عمران و بازسازی افغانستان اعلام نمودند .

اگر حرکات زمام داران عاقلانه ، سالم و غیر مغرضانه میبود ، فتنه ها و آشوبگری های کابل را بوجود نمی آوردند ، ملت ما می توانست از فرصت استفاده نموده و با امکانات امدادی در طی این مدت اکثر بخش های کشور را بازسازی و اعمار مجدد نمایند ، ولی تخریبات ، وحشی گیری ها و کشت و کشتار که بعد از پیروزی بوجود آمد علایق جهانیان به امداد و بازسازی افغانستان کمتر شده و مردم ما این فرصت طلائی را از دست دادند ، راستی ا حاکمان که خود

آبادی و شهرهایش را ویران نماید ، بازسازی - معنی ندارد ، همدردی با جانیانی که چنگال خون الود شان به خون سرخ مردمان بی پناه و بی گناه آلوده میباشد جنایت است و امروز مردم ستم دیده افغانستان قبل از آنکه به باز سازی وطن شان فکر کنند برای بدست آوردن -

یک لقمه نان خشک و نجات از مرگ می اندیشند .

ب - همانطوریکه قبلا " نیز یادآوری گردید پیروزی انقلاب خونبار و اسلامی در افغانستان امید تازه در قلب نهضت های اسلامی ، جنبش های آزادی بخش و ملل اسیر و در بند نظام های استبدادی و وابسته بوجود آورد ، استقلال و آزادی کشورهای آسیای میانه و تحرکات روز - افزون اسلام خواهی در اکثر کشورهای تاثیر از نهضت اسلامی و جهاد رهائی بخش ملت خدا پرست مانبوده و لازم بود که تجربیات حاصله از نبرد و مبارزه نایر ابر مردم با ایمان مادر اختیار سائر ملل های آزادی خواه و عدالت پسند جهان قرار می گرفت .

اما برعکس جنایات و قساوت های که در دوران حکومت آقای رانی در کابل صورت گرفت از - تجاوز به نوامیس ، سر بریدن رنان ، آتش زدن - خانه های مسکونی و به رگیار بستن کودکان معصوم و بی گناه گرفته تا تخریب و انهدام ساختمان های دولتی و سرمایه های ملی و ... سندی شدن در دست حاکمان جور و ستم در کشورهای که روز بروز در آنها تحرکات اسلام خواهی اوج می گیرد و عناصر حاکم و وابسته را دست پاچه ساخته و اادار نموده تا جهت جلوگیری از این حرکت های بیدار گرایانیه دست به هر نوع دسیسه و توطئه بزنند و جنایا را که در کابل صورت می گیرد به رخ نهضت های اسلامی کشیده و وانمود نمایند که تمام بسند بختی ها و فحایع بار آمده در کابل در سایه حکومت اسلامی است و هشدار می دهند هر کس و هر دمیکه گرفتار چنین عقائد و تفکرات شوند سرنوشتی جز سرنوشته کابل و مردمان ان سرا نخواهند داشت .

انها با خدشه دار نمودن احساسات اسلامی و عواطف انسانی ملت ها ، ماهی مقصود را می گیرند . ایکاش دستگاه های تبلیغاتی وابسته به استکبار واقعیت هارامی گفتند و اعلام می کردند عناصر خود فروخته و مزدور ، انحصار طلبان کور دل و فاشستیان نقاب دار در افغانستان جنایت آفریدند ، قساوت ها ، بی رحمی ها و قتل و کشتار های دسته جمعی را در کابل به رخ اسلام و مسلمانان نمیکشیدند .

امروز ضجه و ناله دلخراش مردمان کابل از زیر اوار ، اجساد سوخته و ذبح شده و نیز صد ها هزار انسان معلول و بی پناه و جوان امت اسلامی را نا آرام ساخته است .

ج - یکی از دست آورد های عظیم و برکات دوران جهاد وحدت اسلامی و یکپارچگی ملت بیخوابسته مامحسوب میشود که همگی بدور یک محور " اسلامی " چرخیدند و در برابر دشمن مشترک ( الحاد ) می جنگیدند و با اعتقاد راسخ به اینکه انما المومنون اخوه از اقوام و اقشار مختلف جامعه یک ملت واحد و مقاوم در برابر دشمنان دین و وطن بوجود آورده بود اما خود خواهی ، قدرت طلبی ، انحصار گرائی و روحیه فاشستی یکعده عناصر خائین باعث تشتت و پراکندگی و ایجاد مرزهای قومی ، نژادی ، لسانی و قبیلوی گردید که دور نمای و خیم و خطرناک - دار دادامه و گسترش جنگ های خونین و خانمانسوز فعلی فاصله هارابیشتر و کینه و عداوت را فزونی بخشیده و زمینه اشتی ملی تفاهم و صلح و مسالمت را مشکل نموده است .

بقول معروف " روشن کردن آتش اسان و لسی خاموش نمودن ان بر مراتب مشکل تر میباشد "

## ۲۱ رمضان شهادت مولای متقیان علی

شب قدر شب اطاعت و شب رحمت و مغفرت و شب شهادت شخصیت والامقام ، بی همتا و با عظمت و مظهر عدالت علی (ع) است ، درین شب بهترین انسان بدست پلید ترین انسان به شهادت میرسد و آن کسی که در ۱۳ ماه رجب المرجب در سال سی ام عام الفیل بنحو تعجب انگیزی در درون کعبه باذن خداوند متعال متولد گردید ، فاطمه بنت اسد مادر آنحضرت که پس از ۳ شبانه روز از خانه کعبه بیرون آمد در حالیکه علی (ع) را در دست داشت و او چون نور میدرخشید و جهان ظلمت را نوید دیگر میداد ، مادرش فاطمه بنت اسد هم در میان زنها افتخار میکرد که چون علی (ع) که مظهر تقوی و عدالت است ، علی که فریادرس بی کسان و مظلومان و بیچارگان است ، علی که مرد شجاع و هبیت و علم و دانش و حکمت است از او متولد گردیده است .

اری علی (ع) در بین مردم يك الكوونمونه قرار داشت و او همانند يك سنبل انسانیت و مظهر عدالت در بین جامعه قرار داشت زیرا که آنحضرت تحت مراقبت های معلم و مربی بزرگ انسانها پیامبر گرامی اسلام (ص) بزرگ شده بود و تمام کمالات خویش را از آنحضرت به ارث برده بود.

اری علی اولین کسی است که به حضرت پیامبر گرامی اسلام ایمان آورد که شیعه و سنی بر این مسئله اعتراف و توافق نظر دارند و روزیکه رسول اکرم (ص) بفرمان خداوند تمام خویشان و نزدیکانش و تمام فرزندان عبدالمطلب را در خانه عمویش ابوطالب جمع میکند بعد از تمهید و مقدمه میفرماید:

ای فرزندان عبدالمطلب خداوند مرا بسوی تمام مردم بویژه بسوی شما فرستاده است تا شما را به یکتاپرستی و حق طلبی دعوت کنم و شما را دعوت به مکارم اخلاق و دو کلمه دیگر نمایم که آن دو کلمه لفظاً "بسیار آسان و بسی"

شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان مصادف است با شب شهادت المناک ابر مردانسانیت مولای متقیان و امیر مومنان اولین امام معصوم شیعیان علی (ع) بعنوان عرض ارادت به پیشگاه مقام امامت و ولایت و عرض بهره برداری و استفاده کافیه خواننده گان جریده طلوع وحدت اردستورات و وصایای ارزنده و کلیات حیات بخش آن امام بزرگوار که بعد از قرآن کریم و سخنان رسول امین (ص) ارکلام همه سخنوران بالاتر و والاتر است نصایح شافی آن حضرت راهنمای سعادت ابدی دنیا و آخرت است بمناسبت شب بیست و یکم ماه رمضان که وصیت نامه آنحضرت صورت گرفته است و خطاب به فرزندان بزرگوارش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) ایراد فرموده است و در این وصیت نامه آنحضرت همه انسانها در همه عصرها و قرن ها و زمانها و مکانها که کلامش را بشنوند و پیامش را بدست آورند وصیت کرده است و دستور جامعی است که عمل کردن به آن انسان را به سعادت جاوید دنیا و آخرت میرساند ، این وصیتنامه مبارکه را ترجمه بفارسی نموده و در جریده بنشر سپردیم .

دشمن از ترس او میلرزید و در هیچ جنگی کسی جلوشمشیر آنحضرت را نمیگرفت و برای گسترش اسلام حد و جهد ها و فتوحات فراوانی بدست توانای علی (ع) صورت گرفت

اری علی علیه السلام ان اسوه تقوی و عدالت و ایمان کسی است که در دلش به وقتیکه تاریکی شب همه جا را فرا میگیرد و سکوت بر همه جا حاکم بود او با شوق و علاقه از دسترگرم خویش بر میخزد به راز و نیاز با خداوند متعال میپردازد و بیابرای یتیمان و بی کسان آب و نان میرساند ، علی علیه السلام در حال عبادت و مناجات اشک از چشمان مبارک اش جاری میشد و بدنش را لرزه فرامیگرفت و آنقدر تقوی و ایمان بر علی وجود داشت که خود پیامبر گرامی اسلام میفرماید:

( اگر آسمانها و زمینها در یک کفه ترازو گذاشته شود و ایمان علی (ع) در کفه دیگرش حتماً " ایمان علی (ع) فزونی میکند . )

علی (ع) در دوران حکومتش ظلم و استبداد را ریشه کن نمود و درین دوره هیچ کسی نمی توانست بر دیگری ظلم کند و حقی تلف گردد زیرا آنحضرت ستمگران را مجازات میکرد تا حق مظلومین و بیچارگان را مسترد نمایند و خود آنحضرت بارها میفرمود:

بیگوانان ضعیف در نظر من عزیزانند ، اما گردن کشان و ستمگر ضعیف اند و حکومت علی ع بر پایه تقوی ، عدالت و مساوات بود و آنحضرت در مسند قضا جز بحق حکم نمیکرد و هیچ امری ولو هر قدر خطر و عظیم بود نمیتوانست رای اندیشه و فکر او را از حقیقت تحریف نماید .

اری علی (ع) کسی است که روزیکه پیامبر اکرم (ص) با هزاران حاجی در مکه معظمه مشرف شدند در برگشت در خم غدیر همه را جمع نموده اعلام نمود که علی خلیفه و جانشین من است و فرمود ( من کنت مولاه فهذا علی مولا ) اما عبدالرحمن ابن ملجم مرادی در ۲۱ ماه رمضان در محراب عبادت علی (ع) آن شخصیت الكوونمونه و انما به علم و فضیلت ، حکمت و دانش و سخاوت و ایثارگری را به شهادت رساند .

شمارفت از دنیا بش نشتابید و برای ان ن تاء سف نداشته باشید ، همیشه بهواداری حق سخن بگوئید و برای گرفتن اجر و پاداش راه درستی و نیکی کاری را پیوئید ، ستمکار را برنید و ستمدیده را یاری نمائید ، دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید ( از اینجابه بعد داضنه ، وصیت را وسعت و گسترش میدهد بهمه اهل و عیال خوانواده اش و به همه کسانیکه این وصیتنامه را بشنوند در هر عصر و زمان در هر نقطه و مکان ، در هر گوشه از جهان باشند مطالب حیات بخش انسانسی و اجتماعی را توصیه میفرماید )

از من بشما دونفر و همه فرزندانم و خوانواده ام و هر کسی نامه ام را می یابد و حرفم به او میرسد وصیت که در هر کاری نظم و ترتیب را مد نظر قرار دهید و همه کارها را با نظم انجام دهید ، در اصلاح ذات البین و رفع خصومت بین مسلمانها و اشتی دادن انها تلاش نمائید ، چه اینکه از جد بزرگوارتان رسول خدا ص شنیدم که میگفت ، اشتی دادن دونفر با هم از نماز گذاردن و روزه گرفتن بهتر است .

اللله یتیمان را هیچگاه فراموش نکنید

در معنی و در عمل مشکل است که بواسطه آن دو کلمه شما وارد بهشت میشوید و از آتش سوزان جهنم رهایی مییابید که آن دو کلمه عبارت است از شهادت دادن شمایه یگانگی خداوند و رسالت من از طرف او و ضمناً " فرمود هر یکی از شما دعوت مرا جلو ترا جابت نماید و مرا یاری کند انکس بعد از من خلیفه و جانشین من در میان مسلمین میباشد ، انوقت از تمام ان مجلسی احدی جز علی (ع) جواب مثبت نگفت و ان تنها علی است با اینکه از نظیر سنی در سن ده سالگی بسیر میبرد ، از میان ان مجلس بر میخزد و میفرماید یا رسول الله من این دعوت شما قبول میکنم و من ترا یاری می نمایم و بعد پیامبر (ص) به ان مجلس سربعا اعلام نمود و فرمود که بعد از من علی (ع) خلیفه و جانشین من است .

اری پیامبر گرامی اسلام (ص) فداکار تر از علی و جان نثار تر و شجاع تر از علی (ع) کسی را نداشت ، فداکار بها ، قهرمانی های علی ع از افتاب روشنتر و واضح تر است که هیچ کسی نمیتواند انرا انکار کند و در طول دورانی که پیامبر مردم را دعوت بدین مقدس اسلام می کرد و با مشکلات برخورد مینمود علی (ع) از هر گونه فداکاری و جان نثاری های خویش مضایقه نکرد .

علی (ع) کسی است آنوقتیکه سران قریش تصمیم گرفت که باید بهر قسم پیامبر (ص) را بکشند ، همگی با عهد و پیمان نامقدس با شمشیرهای برهنه وارد خانه پیامبر (ص) میگردد ، میبینند که در بستری پیامبر علی (ع) آرامیده است ، زیر پای پیامبر (ص) پس از آگاهی از توطئه دشمن خود راهی مدینه گردید اما علی (ع) این مظهر عدالت ، شجاعت و این وصی و جانشین حقیقی را در انجا گذاشت و او هم آگاهانه از قضایا مردانه در ان بستر خوابید و نه را سید .

علی (ع) در میدانهای جنگ از هیچ کسی احساس ترس نمیکرد و هرگاه وارد میدان میشد

## وصیت نامه امیر المؤمنین

علی

اعتقاد دارم که بهترین موضوع و عالیترین مضمون و زیباترین مطلب و نافعترین دستور العمل را برای خوانندگان عزیز انتخاب کرده ام .

پس ار اینکه عبدالرحمن ابن ملجم مرادی امیر مومنان علی علیه السلام را در محراب مسجد کوفه با شمشیر زهرالسنود از یاد آورد حضرت پیش از بدو رود زندگی در بستری بیماری در حالیکه همه خوانواده واقاراده ها در اطراف شمع وجودش جمع بودند ، امام حسن و امام حسین (ع) فرزندان زهرا (س) را طلبید و این نصیحت را به ان دو امام همام نمود .

" بشما دو فرزندم توصیه میکنم که تقوی خدا را پیشه سازید و از آنچه نهی فرموده است بپرهیزید ، از دنیا ، گرچه بشمار آورد و خواستار تان باشد روی بر تان بیدار مال دنیا گنج و اندوخته نسازید و چنانچه چیزی از کالای دنیا را از چنگتان بدر آور دواز دست

## سراج التواریخ و تجدید چاپ آن

های جدید کشور با وجود ترقیات چشمگیر دروسایل طباعتی و تربیت پرسونل فنی طبع میشد نباید بران خورده گرفت .

پس از انجام کار طبع جلد دوم به کار چاپ جلد سوم در همان مطبعه پرداختند و این مجلد در سال ۱۳۳۳ به نشر رسیده جلد سوم سراج التواریخ در بیان سلطنت امیر عبدالرحمن خان میباشد و بعنوان " ذکر سلطنت اعلحضرت امیر کشور گیر امیر عبدالرحمن خان " آغاز میگردد، امیر عبدالرحمن خان حدود ۲۱ سال بر افغانستان حکومت کرد و پادشاهی وی با وفاتش بروزشنبه ۹ جمادی الثانی ۱۳۱۹ هجری قمری پایان یافت ذکر وقایع در سراج التواریخ به ترتیب سال است و آن نوعی از تاریخ نویسی در اسلام بود که بهترین مثال آن را در الکامل فی التاریخ ابن اثیری بیابیم .

جلد سوم سراج التواریخ چنانکه قبلا پیشبینی شده بود باید شامل تمام رویدادهای سلطنت امیر از آغاز تا آخر می بود، اما چنانکه می بینیم بیان واقعات درین نسخه چاپی کتاب (جلد سوم) تا سال ۱۳۱۴ آمده است و باین جمله ختم میشود: " ۰۰۰ و هم در این ایام — عبدالرزاق خان سهار نیوری که به فرمان حضرت والا احترام بند قبله امانی و امان شده بود وارد پیشاور شد و میرزا محمود خان به مهمانداری او معین گردید " ۰۰۰ چرامولف ناگهان این مجلد را درین جای پان داد؟ آیا اخبار و احوال بقیه سلطنت امیر را به مجلد دیگر گذاشت، یا آن قسمت هم نوشته شده بود و از چاپ آن خودداری بعمل آمد؟ چنانکه می دانیم ( و در سراج التواریخ به تفصیل آمده است ) امیر عبدالرحمن خان در زمان سلطنت سفری بدعوت حکومت هند برتانوی به آن کشور نمود و بتاريخ ۴ جمادی الاول سال ۱۳۰۲ از کابل بعزم راولپندی حرکت کرد، دولت انگلیس پس از مراجعت نشان ستاره هند را با مضای ملکه به او اعطان نمود مرحوم امیر غلام محمد غبار در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ مینویسد " شاه امان الله خان این سطور را ( مقصود سطرهایی است که در آن واقعه اعطای نشان مزبور بیان شده است ) در جلد سوم سراج التواریخ مطالعه نمود و چنان از روش انگلیس و تحمل جد خود بر فروخت که امر کرد تمام مجلدات این جلد ناتمام احراق و در عوض آن تاریخ واقعی افغانستان نوشته شود در حالیکه مندرجات این کتاب خود جزئی از واقعات تاریخ دولت افغانستان بود و در عین حال ذخیره و قوربه یک قسمت مهم تاریخ قرن نوزده افغانستان بشمار میرفت اتفاقا " سطوری که موجب غضب و برافشفتگی امیر شده بود در سراج التواریخ چاپ شده و جلد سوم نیز کاملا " از بین نرفت و هم اکنون بدست خوانندگان قرار دارد .

علت به تعویق افتادن یا از بین رفتن

یکی از رجال مهم فرهنگی متاخر که در زمان سلطنت پنج پادشاه زندگی نموده و سهم ارزنده در فرهنگ و معارف کشور داشت ملا فیض محمد هزاره بوده او به همین نام و لقب و نسب در زمان حیات خودش یاد می شد و در سرتاسر حیات پرثمر خویش به تعلم تحقیق و تالیف و تدریس اشتغال داشت او ایل زندگی و روزگار کودکی را در روستای زرد سنگ ( زادگاه خویش ) در قره باغ غزنی گذراند و تحصیل مقدماتی را در آن جا نزد آخند های محل اموخت ، در روزگار شباب جهت آموزش علوم عالی و دینی به قندهار رفت و زبان پشتو را در آنجا یاد گرفت بعد از آن از قندهار رهسپار هند شده تحصیلات عالی را در آنجا انجام داد و به زبانهای اردو و انگلیسی آشنائی پیدا کرد، فیض محمد از علوم زمان خویش بهره فراوان داشته تالیفات او به چندین جلد میرسد که همه و همه بحای خودش از منابع پراچ تاریخ و فرهنگ وطن ما بحساب می آید ، اما اثر جاودانی و بسیار مهم وی سراج التواریخ میباشد که از حیث دقت در تالیف میتواند یکی از آثار و کتب بینظیر در سه قرن اخیر افغانستان بحساب آید .

ملا فیض محمد بروز دوشنبه دهم ماه شعبان ۱۳۱۰ هجری بحساب قمری بوسیله محمد سرور خان (۱) اسحق زایی که از منسوبان و شخصیت های مهم دربار سردار نصرالله خان بود به امیر حبیب الله ( در زمان امارت پدرش معرفی شد ) و شهزاده اورابه نقل کتب و شغل کتابت را در انوقت مبلغ دو صد روپیه در سال مقرر کرد و بعد از پنج سال معاش ماهیانه او به ۱۲۰ روپیه در سال زیاد شد، کار تالیف سراج التواریخ در همین سالها به او ( ملا فیض محمد ) سپرده شده و جزو وظایف رسمی و اداری وی بوده پس از اتمام جلد اول آن کتاب معاش مولف آن به سعی سردار نصرالله خان دفعتا " به هزار روپیه در سال رسید، از اینجا معلوم می شود که این دوشهراده متفقا " به تالیف این کتاب اشتیاق فراوان داشتند و لا اقل جلد اول در زمان سلطنت امیر عبدالرحمن خان تالیف شده است از بیان مولف در سراج التواریخ برمی آید که در کار تالیف اندکی تاخیر رخ داد و از همین جهت سه صد روپیه از معاش او را به امر اعلحضرت والا امیر حبیب الله خان معطل گذاشتند، در سال ۳۱ ملا فیض محمد مستقلا به فرمان امیر حبیب الله خان به کار تالیف سراج التواریخ برگزیده شد و پنجم صد روپیه بر معاش وی افزوده گردید برای تالیف کتاب مجلس تالیفی در دربار وجود داشت و طعام آن از کارخانه خاصه مطبخ شهزاده و بعد امیر ( تعیین گردیده بود امیر حبیب الله جهت تشویق فیض محمد مولف کتاب پنجم صد روپیه در جلال ابادیه او اعطا کرد و چون جلد دوم به پایان رسید هزار روپیه دیگر به وی پرداخته شد و همه این مراحم به عنوان انعام و تشویق بود ، از طرف شخص امیر، پس از اتمام تالیف مجلدات اول و دوم - کار طبع و نشر آن ( دوجلد ) به مطبعه حروفی دار السلطنه کابل سپرده شد، این مطبعه در انوقت از مطابع مهم وطن مابود مطبعه حروفی دوجلد کتاب مزبور را با قطع بزرگ در ۳۳۷ صفحه به تیراژ هزاران جلد چاپ کرد کار مطبعه حروفی در طبع سراج التواریخ خالی از اغلاط طباعتی نبود، معذالك به مقیاس کتبی که هفتاد سال بعد در مطبعه

قسمتی از جلد سوم سراج التواریخ هر چه باشد قدر مسلم آنست که کتاب بصورت کامل آن یعنی تاریخ افغانستان در عهد امارت امیر عبدالرحمن خان از آغاز سلطنت تا روز وفات موجود و جهت طبع آماده شده بود حتی جلد چهارم با بعضی از حصص آن نیز برای چاپ در مطبعه وجود داشت ، اعلانی در سراج الاخبار که از جراید معتبره نوع خود یگانه جریده آن زمان بود مؤید این قول است سراج الاخبار در شماره ۲۴ ( ۱۳۳۴ = ۱۳۳۵ ) مینویسد طوری که سراج التواریخ یک تالیف چهارجلده میباشد اگر در یک کتاب چاپ شود حجم آن بس زیاد خواهد بود فلذا امر صادر شد تا جلد اول دوم در یک وقایه چاپ شده و جلد سوم و چهارم که هنوز تحت چاپ میباشد انشالله خیر فروش آن بعد از چاپ نشر خواهد شد .

فرمان مورخ ۱۶ ثور ۱۲۹۹ هجری شمسی امیر امان الله خان نیر گرفته بالا رانائید میکند در آن فرمان آمده است که به فیض محمد وظیفه تازه بی سپرده شده او باید سراج التواریخ را تمام کند و کتاب دیگری در احوال سلطنت امیر امان الله خان بنویسد نام این کتاب تاریخ عصر امانیه خواهد بود، گویند کتاب اخیر جلد پنجم سراج التواریخ بود که در بعضی از منابع به آن اشاره شده است معذالك جلد چهارم و پنجم سراج التواریخ اکنون در دست نیست و نمیتوان راجع به آن بدرستی بحث کرد مجموعه بزرگی را از نوشته های ملا فیض محمد چند سال قبل برای ارشیف ملی خریداری شده بود تهیه فهرست توضیحی این اسناد و آثار و وظایف مهم ارشیف ملی است و اکنون نگهداری آن از اهم وظایف این حکومت یاهر حکومتی که جانشین آن شود میباشد، حفظ آثار ملی و از آن جمله ارشیف ملی از اهم وظایف یک حکومتی است که در افغانستان بر سر اقتدار بیاید .

یک قسمت دیگری از سراج التواریخ هست ( یابوده ) که در کتاب های مطبوعه تا حال دیده نشده نه در طبع کابل و نه در طبع اخبار ایران و آن بحث مربوط به قبایل افغانستان است این قسمت مربوط به سراج التواریخ بوده و امیر خود مولف را به نوشتن چنین بحثی موظف ساخته بود چنانچه در مقدمه جلد اول میخوانیم " ۰۰۰ و فرمود کتابی مشتمل بر ملک گیری و کشورگشایی فرماندهان افغانه مولف و مرتب نموده حدود سابقه مملکت متصرفه افغانستان را اگر چه خلاف واقع درج کتب تاریخ است از همان کتاب با درجات گرمای هوای آن و درجات و دقایق محل وقوع هر ولایت این مملکت ثبت کتاب کرده آید و وجه صحیح و مطابق واقعش بواسطه اله پیمایش و غیر با حدود منفرسه حالیه و نسب نامه طوایف افغانه و تعداد نفوس ایشان علیحده ترتیب داده ضمیمه اخیر کتاب نماید " ممکن است ملا فیض محمد این نسبت نامه را ترتیب داده و میخواست است ضمیمه مجلد آخر کتاب نماید که توفیق به طبع آن نیافت و این بحث از نشر بازماند .

## افغانستان در آینه مطبوعات پاکستان

در پی حادثه گروگانگیری دانش آموزان پاکستانی توسط سه مرد مسلح افغانی در پشاور و حمله به سفارت پاکستان در کابل در مطبوعات پاکستان اظهار نظرهای ضد و نقیضی صورت میگرفت از جمله در تاریخ ۲۱/۲/۱۹۹۴ روزنامه جنگ تبصره آقای مجیب الرحمن شامی را چاپ کرد که حکایت از واقع بینی و درک صحیح مبصر مذکور از حوادث بود و ما قسمت هائی از آن تبصره را عیناً " ترجمه نمودیم که ذیلاً " از نظر تان میگذرد:

( به رهنمائی وزیر داخله پاکستان جناب آقای نصیراله بابر کماندوهای ویژه ارتش پاکستان با کمال مهارت عملیات انجام دادند و در چند لحظه آن سه نفر گروگان گیر را کشته و مسافری و دانش آموزان را آزاد کردند و نگرانی که برای والدین و دوستان دیگر و تمام مردم پاکستان بوجود آمده بود به پایان رسید ولی اگر تنها زنده دستگیر میشدند بهتر بود چون دست هائی که در پشت این حوادث بود معلوم میشد که توسط چه جناح یا گروه و دسته بوجود آمده بود که بعد از هلاکت آنها امکان ندارد، درباره عوامل آن چیزی نگوییم ولی هر کس درین باره حرف مبرتنسد و تبصره میکنند و بعضی کسانی ازین موقع استفاده کرده بر ضد مجاهدین و مهاجرین تبلیغات را شروع کرده اند از اینکه عمل آن سه نفر قابل نکوهش است و محکوم جای شک نیست و هر پاکستانی ازین اقدام افسرده شده و رهبران حکومت و احزاب افغانی نیز این عمل را محکوم کردند و سفارت افغانستان نیز برای حل این مسئله همکاری لازم را انجام داد - با انهم عده، لعن و طعن را بر علیه مردم افغانستان شروع کردند حتی يك شخص که سمت وزارت را دار دحلمات شدید درباره سیاست ضیال الحق کرده و میگویند اگر مرز برای افغانیها باز نمیشد و به آنها اجازه داده نمیشد که از ادانه در کشور عبور و مرور نمایند امروز بچه های کوچک ما گروگان گرفته نمیشد و الا لازم است که تمام افغانیها به کشور شان برگردانده شود و یاد را در دوگاههای مهاجرین محدود شوند.....

از آقای وزیر و برو باقی افرادی که عمل سه نفر جانی را دلیل بر محکوم کردن يك ملت میدانند سؤال میکنم که مگر در پاکستان هر روز در اخبار و مطبوعات نمی بینید که جنایات صورت می گیرد در دی میشود، جنایت میشود، در لاهور کراچی و پشاور و..... و آنها پاکستانی هستند و زندانهای پاکستان نیز ازین قبیل افراد پر میباشند و در دادگاههای کشور پرورنده آنها تحت تحقیق است آیا همه آنها افغانی است در صورتیکه آنها از همین سرزمین و از همین آب و خاک هستند و درین حاه بر برگشته اند پس اگر عمل يك نفر از يك ملت و یاسه نفر باعث شود که تمام آن ملت را محکوم کنیم باید تمام ملت پاکستان را نیز سرزنش و محکوم نمائیم چون در زندانهای پاکستان از افراد جنایت کار این کشور خیلی زیاد است در دا ست، قاتل است و..... و هر کس جرای خود را می بینند و در تمام کشورهای جهان چنین است که جرائم صورت

میگیرند و تابعین خود آنها حرم و جنایت می کنند و در زندانها هم محکوم می شوند پس نباید به خواطر حرم يك نفر و یاسه نفری پای يك ملت را در محاکمه بکشانیم و اگر چنین کنیم در دنیا به بنام انسانیت چیزی نمی ماند و تمام اقوام عالم را محکوم و به حیث محرم قرار دهیم.

ما از افغانیها هستیم و آنها از ما هستند دین ما یکی است، جغرافیا و تاریخ ما یکی است و خون مادریك بدن در گردش است و بسته کردن سرحد بر روی جوانها و پیرها و اطفال معصوم افغانستان يك اقدام ظالمانه بلکه احمقانه است که عمل پانزده ساله ما را خراب میکند.

در اخیر میسر روزنامه آقای شامی برای مقامات حکومتی پاکستان و مردم این سرزمین میگوید یاد تان باشد که این سرزمین و این آب و خاک مال خداست و او برای شما داده است و از او بترسید دروازه خود را بر روی همسایه خود بسته نکنید و نان خود را با آنها تقسیم کنید که این دستور پروردگار است ((

مقامات سیاسی و حکومتی پاکستان متوجه قضایا بوده و از وخیم تر شدن اوضاع جلوگیری کردند و طی فرمان جداگانه برای - مقامات نظامی و انتظامی ولایات دستور صادر کردند که در رابطه با مهاجرین افغانی سیاست قبلی پاکستان را اعمال نمایند و ارجان و مال مهاجرین حفاظت نمایند و اعلان کردند که حوادث اخیر اسلام آباد و کابل هیچ گونه تاثیری در روابط دو کشور و سیاست پاکستان در قبال - حمایت از مهاجرین و مردم افغانستان ندارد. چنانچه در تاریخ ۳ مارچ ۱۹۹۴ اور بر اعظم پاکستان شخما " در کمپ ناصرباغ پیشاور که تعداد (۱۸) هزار از مهاجرین جدید کابل در آن جا هستند رفته و اظهار داشت که: من بخاطر سوء تفاهم که بوجود آمده بود اینجا آمده ام تا اینکه اعلان نماید که مسایل حادثه اخیر هیچگونه تغییری در سیاست پاکستان مبنی بر حمایت از مردم افغانستان و مهاجرین بوجود نیآورده، محترمه بینظر بهتر و گفت " پاکستان در جنگ افغانستان بی طرف است اگر چه بعضی جناحها میخواهند که پاکستان يك جناح را تائید کند ولی پاکستان طرفداری از هیچ جناح را نمیکند و مهاجرین افغانی تا وقتی که بخواهند می توانند در پاکستان بمانند و حکومت و مردم پاکستان نمی خواهند که مهاجرین در مشکلات باشند و ما در مسایل داخلی افغانستان دخالت نمیکنیم و خود افغانیها باید مسایل خود را حل نمایند ((

پایان

### بقیه از: خاطره، ار شهر خونین کابل

در جوابم گفت شوهرت اینجانیست مرده زنده نمیشود.

بروجانت را نگهدار چند دقیقه اینطرف و آنطرف حیرت رده میدیدم اشک در چشمانم خشکیده بود در انجا يك مردوزن از اقارب ما طرف من آمدند و بار سوم شهری مرا نوازش کرده از دستم گرفتند و او را شفاخانه کشیده بخانه خود بردند میخواستم از ماجرای خود برای شان نقل کنم مثلیکه همه چیز را اطلاع داشتند مرا موقع ندادند قدری نان و چای برایم آوردند خورده نمیتوانستم آنها بیک زبان گفتند

ایدختر برور بر زور بخور آخر میموری و بال (خون طفلیکه در شکم داری بگردنت میشه اندکی خوردم شب وقت خواب برایم گفتند شوهرت را خدایا بمرز دهر قدر گریه کنی فائیده ندارد - صبر خوبست شب خوابم نبرد، فردای آن این طفل تولد شد در طول هفته در خانه ایشان بیدار نشسته و گریسته ام از یکطرف این طفل از بی شیری گریه میکنند و از طرف دیگر غم بس خانمانی نمیگذاشت چشم بهم گذارم، شام دیروز که صدای فیرراکت اندکی وقفه داشت خواستم خانه پدرم روان شوم آنها برایم گفتند کوچه و بازار پر از تانگ شده هیچ امکان ندارد که بروی دیوانه و ارفریاد کشیدم که چرا مرا نمی گذارید نزد پدر و مادر خود بروم آنها دست مرا گرفته سربام بردند و گفتند بیبین تمام آن محله را دودواتش در خود گم کرده تو کجامیری، از بام پائین امیدیم آنها که بسیار بیقرار ما دیدند گفتند انجا با فیرراکت های آتش افزا سراسر سوخته و چندین مرد وزن طعمه حریق گشته صبر کن اگر پدر و مادرت - زنده بودید خودشان ترا پیدا میکنند و پیش تو می آیند آخر زندانها زاری کردم و گفتم شما از هر چیز اطلاع دارید برایم بگوئید که آیا مادرم زنده هستند یا نه؟ آنها بگریه شدند و چنان بگریه های های شروع کرد که من هم گریستم.....

باز آن زن بماجرای جانسوزش چنین ادامه داده گفت: دیشب آنها خواب بودند و من بیدار ماندم تا اینکه صبح دیدم طفل خود را - گرفته از خانه شان به پنهانی برآمدم همینکه از کوچه بسرك شدم دودرنا شناس مرا دیدند پرسیدند کجامیری گفتم بخانه خود پرسیدند خانه ات کجاست گفتم خانه ام در..... است بهمرا ای آندونفر اینجا آمده درین خرابه نشسته ام شاید بمیرم و روح باروح ایشان یکجا شوینقدر گفت و پیهم میگريست در حال بیقراریش گفتم خواهر دنیا که بسر همه ما و شماتاریك شده و این تلخکامی ها که نصیب ما گردیده ما را بر حد جنون می کشد، خواهر بر طفل معصومت رحم کن و بخانه اقاربت برگرد، آن زن که اعصابش را بکلی از دست داده بود سرپاشده از انجا رفت.

خودم ساعتی سر بر انوی تفکر بالای کلوخها نشسته با خود گفتم اینجا چه میخواهی و بهر چه آمده ای؟ ما یملک مردم که در خانه های شان بود هیچ چیز بجایش نمانده حتی ثروت های ملی را بغارت بردند و در طول انقلاب بهره برداری را از کمک های خارجیان خوب اموخته اند و در ثروت اندوزی ماهر شده اند و برای تحکیم قدرت کسب امتیاز مالی سرمشق فعالیت های خود قرار داده اند چون بار و همدمی نیست که درد مارا که از ظلم و بیعدالتی کشیده ایم بشنود بهتر است دوباره هجرت کنیم.

آیا چه سانرناله زن بیوه آگه است  
ان مست جام عیش که مغرور منصب است  
غفلت بسی خطاست رایام خشک لاسب  
ای آنکه خون خلق ترا بادغبغ است  
یلخی اگر چه دعوی آزادی بسی است  
آزاد نیست آنکه بوجدان معذب است  
پایان



## شعر معاصر افغانستان

سکوت ؟

تقدیم بزبان محروم افغانستان  
شب است ، دادبزن بانوا سکوت سردسترون  
چيست ؟  
" صدا ، صداست که می ماند " دلیل حنجره  
بستن چيست ؟  
سرودشعله ، دلتنگی ز چشمهای تومی جوشد  
گلوی تلخ تومی داند که طعم بغض شکستن  
چيست ؟  
تمام پنجره هایت کور ، میان گور خودت ماندی  
وهیچ گاه نفهمیدی فروغ ، اینه ، روزن چيست  
شب است ، بانخ آوازت بدوز پرچم عصیان را  
وگرته ماندن وپوسیدن کنار رشته و سوزن  
چيست ؟  
تمام منطق اینان راکه بر غرور تومی خندند ،  
شکافتم و نفهمیدم که پیش منطق شان ، زن چيست  
هوای تازه و بارانی میان باغچه می پیچد  
درین بهار شکوفایی ، دلیل پنجره بستن چيست ؟  
( محمد شریف سعیدی )  
کبوتر  
میان همه گم شد دلاوری که نبود  
به روی طاقچه پوسید ، حنجره که نبود  
دلم هوای شگفتن ز هشت پنجره داشت  
ویسته اند به رویم همان دری که نبود  
نبود سایه ، دستان باغ ، توفانها  
شکسته اند درخت تناوری که نبود  
ویادودست کشیدم ز هشت خونی خُود  
هزار حنجره سرخ برادری که نبود  
اگر چه خسته ، ولی باز هم نخواهد ماند  
فضاتهی ، زدوبال کبوتری که نبود  
فریدون رحیمی

ذوالفقار (۲)

تفنگم تش خم است واسپم بیقرار امشب  
مدد کن - بر خیزم از این گیر و دار امشب  
مدد کن تاب پنجه ، من یال توفان را  
و بنشینم به کوه ، زین استوار امشب  
فشنگ از آهن م من اینک درخشا افکن  
که خواهد زد ، کوه و دره این توفان سوار امشب  
نماند جنگل از فریاد ایل ماتهی هرگز  
که در کوه و کمر پیچیده آهنگ شکار امشب  
XXXXXXXXXXXX  
۰۰۰ و در سوگ همان مردی که دبش سوخت  
در آتش  
دلم رامی گذارم بر مزارش یادگار امشب  
بیای بازی غیرت بیاد دل سوار قوم  
به غیر از توندار دتکیه گاهی ، ذوالفقار امشب  
( سید نادر احمدی )

یادگار شما

نشسته باز ، دلم ، باز در کنار شما  
سرم فدای قدمهای استوار شما  
چقدر چشم شمار اگلاب پوشیده  
چقدر سوخته دل های داغدار شما  
فقط نگاه من ، از چشمتان خجالت نیست  
هزار دسته ، گل مانده شرمسار شما  
چه سالها که نشستند در حوالی خواب  
کنار سایه آرام شاخسار شما

حدیث رفتن صد دسته سهره را خواند  
نگاه ساکت چشمان اشکیار شما  
همیشه در دل سنگین خصم می پیچد  
صدای جرات تکبیر شعله بار شما  
یقین برم که ز گل های اشک تان مانده است  
کنار برگ گل سرخ ، یادگار شما  
محمد حسن حسین زاده

بقیه از : ملاقات وزیر خارجه پاکستان با استاد  
مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی .

مشرف شدند و در انجاء تعهد سپردند که به  
توافقنامه عمل شود ، امامتاسفانه بکسال می  
شود که هیچ گونه و کوچترین اثر مثبت از این  
توافقنامه عملی نشد ، اسناد مزاری از طرح  
دولت پاکستان برای حل مناقشه افغانستان  
استقبال نموده در رابطه به طرح مولوی حقانی  
اظهار داشت ، ما طرح آقای حقانی را مطالعه  
کردیم این طرح بدر مشکلات جاری کشور ما  
نمیخورد وحد اقلشش ماه دیگر برای عملی  
شدن ان وقت لازم است ، در اخیر تحفیه ،  
از سوی استاد مزاری به وزیر خارجه پاکستان  
اهدا گردید ، آقای سردار اصف احمد علی و  
هیئت همراه هنگامیکه به منطقه ، تحت  
کنترول حزب وحدت اسلامی توسط چندین  
عزاده موتور تعدادی از قوماندانان نظامی  
حزب وحدت اسلامی به مقر مرکزی حزب وحد  
اسلامی اسکورت گردید ، در مسیر راه ایشان  
تعداد زیادی از مردم اهالی باصف بندی  
وانداختن دسته های گل و با شعارهایی به  
زبان دری وانگلیسی وارد آمدن هیئت  
پاکستانی را خیر مقدم می گفتند .

پایان

از : طارق مالستانی

## خاطره از شهر خونین کابل

این خرابه ها برای هیچکس پناگاه باقی نماند  
است ، اودر جوابم چنین گفت ، این خرابه  
هابقایی خانه نشیمن ماست يك هفته قبل  
پیش از تولد این پسر همراه شوهرم درهای  
انرا قفل نموده طرف خانه پدرم روان شدیم  
در عرض راه راکتی از هوا آمد و مستقیما شوهرم  
را طعمه اصابت خود قرار داد ، من که بفاصله  
تقریبا " ده متر از او فاصله داشتم از هوش  
رفتم ، و وقتی که بهوش آمدم خود را روی زمین  
باکمیل پوشانیده یافتم او از مرد وزن بگوشم  
می آمد کمیل را از بالای روی خود یکطرف  
کردم چشم به سقف و دیوار شفاخانه افتاد  
پرستاران و مرد وزن شهری این سو و آن سو می  
رفتند ناگهان زنی پهلویم نشست گفت  
در بین مرده چرا خوابیده ؟ پرسیدم مرده ها  
کجاست ؟ ان زن گفت همین قطار روی زمین  
همه مرده اند ، وحشت زده صداردم که من زنده  
ام برای خدا دستم را بگیران زن دستم را گرفته  
سپاشدم او صدارد که اینه شکر یک مرده زنده  
شد ، دلم طاقت نکرد روی ان مردگان را یک بیک  
برهنه کرده میدیدم که ناگهان مرد پرستار آمد  
گفت چه میکنی گفتم شوهرم رامی پالم او

که دوکلاغ بهواتی پرواز میکردند و بسوی آنها  
تیر اندازی میشد صدای فیر کلوله هاسکوت  
منطقه رامی شکست وقتیکه بخانه پدری  
رسیدم از مدخل بدون دروازه ان وارد شده هر طرف  
نظر انداختم يك اطاق آباد نمانده بود حتی  
دیوار حیاط نیمه لنبیده بود ، در بین اثنا صدای  
گریه طفل نوزاد را از پشت دیوار ( خانه همسایه )  
شنیدم بانعتب از دیوار حیاط سرکشیده  
دیدم زنی روی خاک نشسته و طفلکی در اغوش  
گریه میکند ، چشم ان زن بمن افتاد گفت برادر  
سلام جواب سلامش را داده پرسیدم خواهی  
شما چه وقت آمده اید ؟ درین هوای سرد اینجا  
چه میکنید ؟ ان زن بیچاره با چشم گریان و  
صدای لرزان دست خود را بسوی اطاق های خرابه  
کرده های های بگریه شروع کرد گلویش عقد ه  
گرفت گفته نمیتوانست من تاب دیدن حالت  
تاشربارش نیآورده عقب دیوار حویلی بالای  
کلوخ هانشستم بعد از لحظه ، دوباره سر  
کشیده دیدم ان زن بدیوار تکیه زده با چوبیکه  
در دست داشت روی زمین خطوط درهم و برهم  
میکشد ، درینوقت دسته ، از گنجشکان از بالای  
سر میگذشت صدای پالهای شان مثل هجوم  
ناگهان باد در هوای آرام انسان را متوحش می  
ساخت ان زن دوباره بطرفم دید ، باز او را  
مخاطب ساخته گفتم ، خواهر چرا اینجان شسته

پس از دو ماه مهاجرت بتاريخ ۱۱ ار ۱۰ ار ۷۲  
باز بوطن مالوف خود افغانستان برگشتم  
و مستقیما " برادگام در ۰۰۰ شهر کابل  
رسیده آنچه بچشم سردیدم مینویسم .  
صبح بود ، ابر غلیظی فضای شهر را پوشانیده  
بود ، با بر آمدن آفتاب تاریکی ها و سیاهی های  
خانه های نیم سوخته و از بین رفته باسانی  
دیده میشد ، تمام آنچه منازل زیبای صورت  
خرابه هابدون سقف ، دروازه و پنجره  
دیده گان هربیننده را خیره میکرد ، بعضی  
از ان خرابه ها که نیم از دیوار هایش باقیمانده  
بود از طرف مردم شهر با آهن چادر سقف زده -  
شده بود تا در ان در فصل سوزان زمستان زندگی  
کنند ، ملاحظه منظره های گوناگون شهر که  
متاسفانه نمیتوانم با قلم انرا ترسیم نمایم  
چنان بر روح فشار میآورد که میخواستم فریاد  
بکشم ، این شهر که با اصلاح پایتخت بود پر  
از عمارات مجلل و درختان بود که شب در  
لابلای شاخه های درختان ان پرندگان با خاطر  
آرام شب را سحر میکردند ، حاده ها و بازار هایش  
جنب وجوش قابل وصفی داشت حالا همه  
پناگاه موشها و سگها شده است .  
سراسیمه روان بودم که از بالای سرم صدایی  
بگوشم آمد ، وحشت زده بطرف آسمان دیدم





## نامه های رسیده

برادر محترم غلام سخی مزاری در هندوستان . این برادر ضمن ابراز سلام ، شکر گذاری و تقدیر از زحمات ما ، گلایه دارند که نشریه طلوع وحدت و سایر نشریات دیرتر بدست شان میرسد .

برادر محترم غلام سخی مزاری ، امیدواریم سلام های متقابل ما را شما و همه دوستان آنجا پذیرای باشید ، اما بعد ماهی همیشه پس از نشر و چاپ طلوع وحدت در ظرف يك الی دو روز - اقدام به پست آن به آدرسهای دست داشته مینمایم ولی از اینکه دیر بدست شما میرسد فکر کنم بستگی به تبادل پستی بین دولتها داشته باشد و از سوی دیگر مابعلت گرانی سرسام آور هزینه پستی ناچاریم از طریق ارزانترین نوع پست نشریه را شمارسال نمایم ، یقیناً " اگر پست هوائی و یا بشکل دیگری صورت گیرد و دیرتر خواهد رسید که متأسفانه ما توان مالی نداریم .

برادر محترم رشوف الله یاری - جاپان .

این برادر که همیشه و مداوم با ما تماس دارد در این اواخر طی نامه ، ما را مورد تشویق قرار داده و در قسمتی از نامه خود نوشته اند " از سرفرازیها و کامیابیهای مردم خود مدام می شنوم جای بسیار افتخار است ، خدامیداند که در پست خود نمیکنم و انقدر احساس غرور میکنم که گویا مردم هزاره تاج سر مردم دنیا میباشند . . . "

برادر گرانقدر جناب آقای الله یاری امیدواریم سلام ما را نیز پذیرای باشید ، از اینکه بنامه تان دیرتر پاسخ داده شد معذرت می خواهم زیرا مدتی بود نامه شما در لایلا کاغذ ها که تراکم دارد مفقود شده بود ، اینکه بدست ما افتاد بعرض تان برسانم که شما نهایت لطف و عنایت نسبت به ما داشته و در قبالتعیین سرنوشت ملت مظلوم هزاره بسیار حساس و دلسوز هستید که این ادعای شما با ارائه کمک های مالی ای که تا حال بحزب پر افتخار وحدت اسلامی در کابل نموده اید و هم تب و تابیکه چه از طریق تیلیفون و چه از طریق مکاتبه و مسافرت های پی در پی تان ثابت کرده اید ، ایکاش همه عزیزان مادر هر جایکه هستند همانند جناب عالی نسبت به سرنوشت آینده شان حساس میبودند که انشالله هستند ، اگر همه ما چنین نباشیم راه دشوار و صعب العیور پیش رو داریم . بهر صورت شاد و موفق باشید نشریه انشالله مرتباً ارسال میگردد .

برادر محترم م ، ح سعیدی مالستانی - طهران این برادر ضمن ارائه سلام و ادای احترام پیوست نامه مختصر خویش نوشته ای را عرض چاپ ارسال داشته .

برادر محترم سعیدی مالستانی ، ما هم سلامهای صمیمانه خود را بشما تقدیم و از رسیدن نامه اطمینان داده و نسبت بنوشته ارسال تان مطالب زیر قابل یادآوری است .  
۱- از اینکه بادرک رسالت خود اقدام بنوشته و ارسال به اداره نشرات نموده و مسمی نمائید این خود يك اقدام بسیار مثبت است .  
۲- نوشته ارسال تان فاقد عنوان بوده و بهمین علت شما طی آن موضوعات مختلفی را زیر بحث گرفته اید که متأسفانه حق مطلب در هیچ موضوعی که طرح شده ادانگردیده .

۳- نوشته مذکور قبل از اینکه قیافه يك مقاله را داشته باشد بیشتر بگونه يك قطعه نامه ای که از طرف جمعی نوشته شده باشد میباشد بعنوان مثال ( ما زملت شریف . . . میخواستیم ) و یا ( ما از موضع گیریهای پشتیبانی میکنیم و . . . مسائیل دیگر اگر شما همین مضمونهارا بگونه دیگر الفاظ را جابجا میکردید معقولتر بود مثلاً بجای کلمه مامی نوشتید که ملت ما از موضع گیریهای حزب وحدت پشتیبانی مینماید و همچنین نکات دیگر بهر صورت از اینکه مانوشته شما را چاپ نکردیم بدان معنی نیست که شما دارای استعداد نویسندگی نیستید ، بلکه بسیار خوب استعداد دارید ولی اندک توجه شمار لازم دارد ، به امید وانتظار نامه و مقالات دیگر شما .

برادر محترم اسدالله امیدوار - کراچی پاکستان

این برادر عزیز ضمن ارسال کارت تبریکی عید ، کارکنان جریده طلوع وحدت را مورد لطف و نوازش قرار داده و در اول نامه اش جمله زیبایی نوشته که :

هیچ کس به تنهایی نمیتواند خوشبخت شود و هر کس باید سعادت خویش را در خوشبختی دیگران بجوید .

برادر محترم اسدالله امیدوار ، الحق که شما با نوشتن يك جمله کوتاه خود را تا انتها بر ما معرفی کردید امیدواریم همیشه پیروز و سرفراز باشید ، شما اطمینان داده می شود جریده را بشما میفرستیم ، و از ارسال نامه و کارت تبریکی عید ابراز تشکر نموده مایم این عید سعید را بشما تبریک میگویم ، به انتظار نامه های بعدی شما .

## سراج التواریخ و . . .

سراج التواریخ با وضع موجود نیز یکی از کتب معتبر تاریخی معاصر افغانستان است و از وقت تالیف و نشر کتاب تا حال مرجع محققان و پژوهشگران تاریخ ( در داخل و خارج ) کشور ما بوده است ، در تالیف این کتاب در زمان خودش سعی و وقت فراوان بعمل آمده مولف در مقدمه جلد اول مطابق روش کتاب نویسان آن زمان ماخذ خویش را ذکر نموده است ، این کتابها ( که در سراج التواریخ مرجع ملافیض محمد میباشد ) از منابع موثوق در آن زمان بود . علاوه بر آن مولف به اسناد و آثار ارسیفی دست داشته که در ذکر ماخذ نیامده است و نیز مولف درباره پاره از مطالب به شخصیت های مهم اداری و اجتماعی عصر خویش رجوع نموده و اسامی رجال مزبور در مقدمه جلد اول ذکر شده است در جلد اول و دوم راکه مشتمل بر وقایع سلطنت پادشاهان سدوزایی و محمد زایی تا امیر عبدالرحمن خان میباشد از اغارتانجام امیر حبیب الله خان خواننده و بران صحه گذاشته است باید متوجه بود که امیر حبیب الله خان مرد صاحب بصیرتی بود و از تاریخ وطن خودش اطلاع کافی داشت ، یادداشت های او در حاشیه سراج التواریخ موید وسعت اطلاعات وی از تاریخ سلاله سدوزایی و بارکزی است علاوه بر امیر مولوی عبدالروف خان مدرس مدرسه شاهي ومیرزا عبداللطیف خان مستوفی نیر که بقول سراج التواریخ از فحول علمای افغانستان

و سرآمد منشیانند ، این کتاب را خواننده و مطابق نوشته ملافیض محمد از نظر دقت گذرانیده و دستخط و مهر صحت در اخیر هر جزو کرده و نهاده : اصل این اوراق اگر روزی کشف شود از ذخایر مهم ارسیفی وطن ما خواهد بود . در پایان جلد دوم نیز خبر تائید پادشاه آن عصر امیر حبیب الله خان موجود است " . . . این پادشاه معارف و سیاسی آگاه مولف آسارابا این کتاب را با قلم خویش حک و اصلاح فرموده و میفرمایند "

بیان وقایع و ذکر حوادث تاریخی در سراج التواریخ بخصوص جلد سوم به تفصیل آمده است و مولف سعی نموده است جزئیات امور را به اطلاع خواننده برساند . از اینجا است که میتوان گفت ، سراج التواریخ تنها تاریخ سیاسی و ذکر جنگهای پادشاهان و امیران نیست بلکه در آن وقایع مهم سیاسی روابط افغانستان با کشورهای دیگر ، بخصوص روسیه ، تراری ، انگلیس و ایران به تفصیل بحث شده است ذکر وثیت اسناد در سراج التواریخ در خود توجه است بطوریکه اگر آن کتاب نبود خواننده می بایست به ارسیف ها رجوع میکرد و دست رسی به ارسیف برای همه به اسانی میسر نیست سراج التواریخ تا حال دوبار چاپ شده است بار اول در زمان حیات مولف و امیر حامی او ( حبیب الله خان ) از آن تاریخ که اینک بیشتر از هفتاد سال می گذرد آن کتاب از جمله نوادر کتب بود . در سه سال قبل وزارت تعلیم و تربیه دولت موقت اسلامی افغانستان به طبع جلد اول و دوم پرداخت و حتی سال چاپ ، تعداد طبع محل نشر و نام مطبعه که معمولاً " در هر کتابی باید بیاید در طبع مجدد این دو جلد نیامده از تتمه جلد سوم ( چاپ تازه آن ) معلوم می شود که این دو جلد در سال ۱۳۶۹ در پیشاور - پاکستان مرکز حکومت موقت چاپ و نشر شد .

و اما جلد سوم در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی به سعی م ، ع ، غزنوی در قم ( ایران ) با طبع حرفی با صفحات عالی و کاغذ خوب در دوهزار جلد در چاپ خانه صدر چاپ شد و به این ترتیب کتاب مفیدی که از دسترسی به آن در داخل کشور و خارج از آن به اسانی میسر نبود بدست عامه افتاد . سعی وزارت تعلیم و تربیه دولت موقت و جناب م ، ع ، غزنوی در طبع مجدد این کتاب مهم در تاریخ معاصر وطن مادر کشور ستایش و قدردانی فراوانی است . به یقین میدان که خواننده گان و محققان تاریخ از مطالعه آن لذت و بهره فراوان خواهند برد امیدوارم نوشته ها و کتاب های دیگری این مرد فاضل هم میهن ما روزی به سعی پژوهشگران تاریخ و ادبیات در افغانستان به زیور طبع آراسته گردد .

اقتباسی از جریده امید چاپ آمریکا پایان

یکی از اعضای پارلمان بریتانیا از دیدن تصاویر ظالمانه رژیم هند بر مردم کشمیر بی هوش شد

( لندن علی کیانی گزارشگر روزنامه جنگ پاکستان مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۹۴ )

آقای مکس میدن عضو پارلمان انگلیس و قهرمان کار کشمیر وقتی بی اختیار بی هوش گردید و افتید که تاپاسی از شب در یکی از دفاتر پارلمان بریتانیا قلم تهیه شده توسط هیئت داکتران دنمارکی رامشاده میکرد که حاوی تصاویر اندوهناک قوای امنیتی هند بر مردم کشمیر اشغال بود .



# ماه رمضان در بیان رسول

## خدا (ص)

ماه رمضان ماه رحمت خداوند سبحان و ماه خود سازی هاشمین و روزه داران است ، پیشوای بزرگ اسلام در جمعه اخیر شعبان خطبه ایراد فرموده فضایل ثواب و آداب روزه ماه رمضان را بیان فرمود برای استفاده خوانندگان ترجمه فارسی را با اقتباس از روزنامه جمهوری اسلامی در اختیار شما قرار دادیم .  
اداره طلوع وحدت

ای مردم ۱

همان‌ماه خدا بابرکت و رحمت و امرزش بشماروی آورده است ، ماهی که نزد خدا برترین ماههاست و روزهایش برترین روزها و شبهایش برترین شبها و ساعاتش برترین ساعاتهاست .

ماهی است که در آن به مهمانی خدا دعوت شده اید ( بدین سبب ) مورد مکرمت الهی قرار گرفته اید .

نفسهایتان در آن تسیخ خدا و خوابتان در آن عبادت است و اعمال شما در این ماه پذیرفته و دعای شما مستجاب است .

بس نیایتهای صادق و دل‌های پاک از خدا بخواهید که شمارا در این ماه به روزه داری و خواندن قرآن کریم موفق گرداند .

بدرستیکه شقی و دور از سعادت ، کسی است که در این ماه بزرگ از امرزش الهی محروم ماند .

باگر سنگی و تشنگی خود در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را بیاد آورید .

و بر فقیران و درماندگان خود صدقه دهید و بزرگان خود را احترام نموده و بر کودکان خود مهربانی کنید و با خویشاوندان رفت و آمد نموده و ببیونددید و زیانتان را از ( گفتاری هوده ) نگاهدارید و دیدگان خود را از آنچه نگاه کردن به آن جایز نیست فروپوشید و گوشه‌ایتان را از آنچه شنیدن آن روانیست فرو بندید .

و بر یتیمان مردم مهربانی کنید تا پس از شما با یتیمان مهربانی کنند و ارگناهان تان بسوی خدا توبه و بازگشت نمائید و به وقت نماز دست‌ها را به دعا بردارید و این اوقات والاترین ساعاتی است که خداوند با عزت و جلال به لطف و رحمت بسوی بندگانش نظر میکند و چون با او به راز و نیاز پردازد نپاسخشان دهد و هنگامیکه اورا ندا کنند لبیکشان گویند و زمانی که اورا بخوانند احاطتشان کند .

ای مردم بر راستی که جانهای شما در گرو اعمال شماست ، پس با طلب امرزش الهی آنها را ( این دعا عمل ناشایست ) آزاد سازید .  
و پشت شما از بار ( گناهان ) سنگین است ، پس با سجده های طولانی آنها را سبک کنید .

و بدانید خدای که یاد او بر تراست به عزت خود سوگند یاد کرده که نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نکند و در آن روز که آدمیان در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند ایشان را به آتش ( دوزخ ) نترساند .

ای مردم ۱ هر کس از شما که در این ماه روزه دارم و منی را افطار دهد ، برای او ( بخاطر این عمل ) ثواب آزاد کردن بنده ای و امرزش گناهان گذشته در نظر گرفته میشود .

گفته شد : ای رسول خدا ، همه ما را توانای اینکار ( افطار مومن روزه دار ) نیست رسول

خدا - که درود خدا بر او خواندانش با دفرمود خود را از آتش ( دوزخ ) برهانید ، اگر چه بد افطار دادن نصف دانه خرمائی و با جرعه آبی ای مردم ۱ هر یک از شما که اخلاقش را در این ماه نیکیسازد ، گذشتن از صراط ( در قیامت ) و در روزیکه قدمها بر آن میلغزند بر او آسان شود .

و هر که در این ماه بر زیردستان خود آسان گیرد ، خداوند نیز حساب اعمالش را آسان خواهد گرفت .

و هر که در این ماه شرح خود را از دیگران باز دارد - خداوند نیز در روز ملاقات ، غضبش را از او بساز خواهد داشت .

و هر که در این ماه بیتی می راگرامی دارد خداوند در روز قیامت او را گرامی خواهد داشت .

و هر که در این ماه با خویشاوندان خود رفت و آمد نموده به آنان ببیوندد خداوند نیز او را در روز ملاقات برحمت خویش ببیوندد و هر که در این ماه رابطه خود را با خویشاوندان بببرد خداوند نیز رحمتش را در روز قیامت از او خواهد برید .

و هر که در این ماه نمازی ( مستحبی ) به جای آورد ، خداوند دوری او را از آتش دوزخ رقص میزند .

و هر که در این ماه عمل واجبی را انجام دهد خداوند ثواب هفتاد عمل واجب را که در ماههای دیگر بجای او ردیاب و عطا کند .

و هر که در این ماه بر من صلوات بسیار فرستد خداوند در روزی که موازین اعمال سبک شوند میران عملش را سنگین و گرانقدر گرداند .

و هر که در این ماه آیه ای از قرآن بر خواند پاداش کسی را دارد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد .

ای مردم ۱ در این ماه درهای بهشت گشوده است ، پس از پروردگارتان بخواهید که آنها را ( به سبب گناهانتان ) بر شما نبندد . و در این ماه درهای دوزخ بسته است پس از پروردگارتان بخواهید که آنها را ( به سبب گناهانتان ) بر شما نگشاید و در این ماه شیاطین به بند کشیده شده اند ، پس از پروردگارتان بخواهید که آنها را بر شما مسلط نسازد .

امیر مومنان علی علیه السلام فرمودند : برخاستم و گفتم ای رسول خدا ، برترین اعمال در این ماه کدام است ؟

رسول اکرم ( ص ) فرمودند : ای ابوالحسن برترین اعمال در این ماه خودداری از ارتکاب اعمالی است که خداوند با عزت و جلال آنها را حرام نموده است .

پس آنگاه پیامبر گریست ۱ گفتم ای رسول خدا چه چیز موجب گریه شما شد ؟ فرمود : ای علی ، از آنچه در این ماه بر تو روا میدارند می گویم ، گوئی ترا میبینم که برای پروردگارت به نماز ایستاده ای و شقی ترین و بدبخت ترین افراد در میان اولین و آخرین انسانها ( از گذشته گان و آیندگان ) و همتای کسی که ناله قوم شود را از پای در آورد ، بسر خاسته بر فرق تو ضربی ای فرود می آورد که محاسنت را بخون سرت رنگین میکند .

پس عرض کردم : ای رسول خدا ایاد این حال دینم به سلامت است ؟ فرمود ( آری ) بردین خداوند یکتا به سلامت هستی .

سپس فرمود : ای علی هر که تو را دشمن دارد مرادشمن داشته و هر که تو را دشمن گوید

مرادشمن گفته است .  
زیرا تو همانند جان من و از من هستی ، روح تو از روح من و سرشت تو از سرشت من است .  
خداوند تبارک و تعالی من و تو را آفرید و مرا و تو را برگزید ، مرا برای نبوت و تو را برای امامت اختیار نمود .

ای علی ۱ تو وصی من و پسر فرزندان من و همسر دخترم و جانشین من بر اتمم ، بهنگام زندگی و بعد از درگذشتم هستی ، فرمان تو و فرمان من و نهی تو نهی من است .  
سوگند به آن کس که مرا به نبوت مبعوث گردانید و مرا بهترین مردم قرار داد تو حجت خدا بر خلقش و امین او بر سرش و خلیفه او بر بندگانش هستی .

## ملاقات وزیر خارجه پاکستان با استاد مزاری

حجت الاسلام والمسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۲ - ۱۳۷۲ با آقای سردار اصف علی وزیر خارجه دولت اسلامی پاکستان و هیئت همراه و بیرون در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان غرض ملاقات به حضور پذیرفته و با آنان دیدار و گفتگو نمودند ، به گزارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار که آیت الله فاضل عضو شورای عالی نظارت و حجت الاسلام والمسلمین استاد اکبری معاون اول هیئت رثه شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی و آقای امیر عثمان سفیر کبیر دولت پاکستان در کابل نیز حضور داشتند ، نخست آقای سردار احمد علی وزیر خارجه ، پاکستان ضمن تشکر از استقبال گرم مردم و شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی اظهار داشت ، چندی قبل بانامینده شما در پاکستان دیدار داشتیم و در این او را نیز نمایندگان شما را ملاقات نمودیم و پیشنهادات معقول را برای حل قضیه افغانستان با خود آورده بودند .

وی ادامه داد گفت ، شما چهارده سال جهاد را با افتخار سپری نموده اید و شوروی را از کشور خود خارج ساخته اید و پاکستان بشما کمک کرد و به این کمک خود افتخار میکند و همچنین ما افتخار میکنیم که مهماندار مهاجرین شما هستیم و مهمانداری ما ادامه خواهد یافت و ا قتل اخیر که در اثر گروگان گیری بوجود آمده بود بهم نخواهد خورد و به هیچ یک از افراد مهاجرین گفته نخواهد شد که پاکستان را ترک گویند ، آقای اصف احمد علی از پرابلیم های موجود در افغانستان اظهار نگرانی نموده گفت ، دولت پاکستان هیچگاه موضوعی را بشما تحمیل نخواهد کرد و چنانچه در جهاد چهارده ساله در کنار شما بودیم و برای حل قضیه جاری در افغانستان تلاش خواهیم کرد ، وی تلاش فعلی دولت پاکستان را در جهت انتقال مواد غذایی به کابل دانسته اظهار داشت در این زمینه با آقای حکمتیار و مولوی حقانی در حلال اباد ملاقات داشتیم و آقای حکمتیار با اطمینان داد که در این مورد هیچگونه ممانعت ایجاد نخواهد کرد و دولت پاکستان مواد غذایی زیادی دارد که میتواند بکابل انتقال دهد و این مواد هیچگاه در اختیار حزب و گروه خاصی قرار نخواهد گرفت و میخواهیم این مواد از طریق کمیته صلیب سرخ بکابل انتقال یابد ، آقای اصف احمد علی در مورد قطع جنگ جاری در کابل بیان داشت ما با مولوی



**کنترول دروازه شهر قندوز به اختیار نیروهای حزب وحدت اسلامی میباشد**

بدنبال تصفیه ولایت قندوز توسط نیروهای شورای عالی هماهنگی و شکست نیروهای جمعیت و شورای نظارت اتحاد سیاف قسمت های عمده استراتژیک ولایت قندوز تحت کنترول نیروهای قهرمان حزب وحدت اسلامی که در ترکیب جنبش ملی اسلامی و شورای هماهنگی انقلاب اسلامی به تصفیه ولایت قندوز نقش اساسی را عهده داراندمی باشند.

آقای انصاری خبرنگار نظامی خبرگزاری وحدت اسلامی که چندی قبل از کابل عازم صفحات شمال کشور گردیده بود و هم اکنون در ولایت قندوز قرار دارد طی گزارش - مخابرویی روز دوشنبه ۱۳۷۲-۱۳۷۲- خود ضمن اعلام خبر فوق افزود طی عملیاتی نیروهای شورای هماهنگی در ولایت قندوز بیش از هزار منیل سلاحهای سبک و نیمه سنگین و دهها تن تانک و وسایط نقلیه بغنیمت نیروهای حزب وحدت اسلامی درآمده است طبق این گزارش تمام برادران هزاره اهل سنت و شیعه مقیم ولایت قندوز با مراجعه به مسئولین حزب وحدت اسلامی پیوستن و هم بستگی خود را به این حزب اعلام نمودند لازم بتذکر است که ۶۰٪ نفوس قندوز را مردم هزاره تشکیل میدهد.

**ولسوالی خواجه غاز تخار به تصرف نیروهای شورای عالی هماهنگی درآمد**

باتصفیه کامل ولایت قندوز و استقرار نیروهای شورای عالی هماهنگی انقلاب اسلامی در مرز های تخاران در اولین اقدام خود ولسوالی مهم خواجه غاز این ولایت را به تصرف خود درآوردند، خبرنگار نظامی خبرگزاری وحدت اسلامی از شهر قندوز در جریان تصرف ولسوالی ولسوالی خواجه غاز که با همکاری نیروهای محلی این ولسوالی با شورای هماهنگی انجام گرفت هزاران میل سلاحهای مختلف النوع و وسایط نقلیه به غنیمت شورای هماهنگی درآمدند و نیروهای طرفدار آقای ربانی از آن ولسوالی به نقاط دیگری ولایت تخار فرار کردند طبق این گزارش ولسوالی اشکمش ولایت تخار نیز در معرض سقوط قرار گرفته است و قوماندان موجود در آن ولسوالی آمادگی خود را برای تسلیم شدن اعلام داشته همچنین تعدادی از نظامیان که در ولسوالی علی آباد دست ارجی ولسوالی قندوز تاکنون مخفی بودند به نیروهای شورای عالی هماهنگی تسلیم شدند.

**داکتر حکمت الله مجددی با استادمزای ملاقات نمود.**

حجت الاسلام والمسلمین استاد عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان ظهر روز جمعه آقای داکتر حکمت الله مجددی - معاون جبهه نجات ملی افغانستان ور - بیس هیئت اعزامی شورای هماهنگی انقلاب اسلامی افغانستان به پاکستان و ایران را بحضور پذیرفت و با وی دیدار و گفتگو نمودند، بگذارش خبرنگار خبرگزاری وحدت اسلامی در این دیدار نخست آقای داکتر مجددی گزارش مفصل از جریان مسافرت هیئت اعزامی شورای عالی هماهنگی را به پاکستان و ایران و ملاقات اعضای هیئت با مقامات کشورهای فوق الذکر و نمایندگان کشور های غربی را به استحضار دبیرکل حزب وحدت اسلامی رسانیده و در کل نتایج سفر هیئت را -

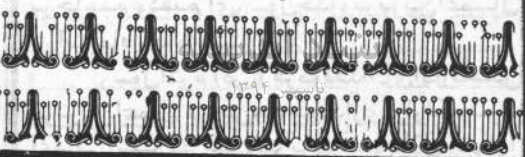
**رویدادهای خبری**

مفید، سازنده و با ارزش توصیف نمود. استادمزای نیز طی این دیدار از تلاشهای هیئت شورای هماهنگی تقدیر نموده و از نتایج مثبت مذاکرات هیئت با مقامات کشورهای اسلامی و غربی ابراز خرسندی نمود و وانگرا در جهت تحقق خواسته ها و اهداف مردم مسلمان افغانستان دانست.

**"چور و چپاول گسترده در پایتخت افغانستان"**

ترجمه از روزنامه انگلیسی زبان فرانترپوست چاپ پیشاور مورخ ۲۴ ار ۱۹۹۴ مترجم عنایت الله ماشا.

دراثر جنگهای پی در پی بین نیروهای دولت ربانی و صدراعظم گلبدین حکمتیار بی قانونی و هرج و مرج در شهر کابل به اوج خود رسیده است: بی بندوباری های زیادی در طی سه هفته گذشته ادامه داشته و این نوع بی بندوباری ها باعث سرقت اموال مغازه های شهر کابل گردیده است، چور و چپاول توسط نیروهای به اصطلاح مجاهدین در شهر کابل به اندازه زیاد است، اما چور و چپاول توسط نیروهای احمدشاه مسعود بروز یکشنبه که حتی جنرال فهیم هم دست به این کار زده از رسواترین چور و چپاولها در شهر کابل پس از پیروزی حکومت اسلامی می باشد، یک تاجری که در پیشاور است و اموالش توسط نیروهای احمدشاه مسعود سرقت شده میگفت: که نیروهای احمدشاه مسعود بیش از هفتاد میلیون دالر را بر روی یکشنبه سرقت نمودند ۱ بیشترین مغازه دارانی که اموالشان بر روی یکشنبه سرقت شده در پیشاور میباشد که از شنیدن این خبر بسیار ناراحت هستند و از دولت ایران، پاکستان خواهش نموده اند که برای یک صلح در کابل کوشش نمایند، همچنین یک منبع از گزارش میدهد که در کابل جنگ شدید ادامه داشته اما سایر ولایات افغانستان آرام میباشد، این منبع می افزاید که طیاره های حاجی دوستم بروز یکشنبه مناطق دولتی را بمباران نمودند، خاطر نشان میگردد که حزب اسلامی بعد از رفتن جنرال دوستم به عربستان سعودی اورا حاجی دوستم خطاب میکنند خود جنرال دوستم هم میگوید که من حج عمره کرده ام و قنبره به عنوان یک مهمان رسمی به عربستان سعودی سفر کرده بودم.



**اطلاعیته:**

**برادران و خواهران ۱**

طبق خبریکه بدست ما رسیده جلد اول و دوم کتاب مهم سراج التواریخ تجدید چاپ و منتشر شده، موسسه بلخ در تهران جلد اول و دوم کتاب سراج التواریخ را با قطع صحافت عالی با حروف کمیوتوری در یک جلد چاپ و نشر کرد کسانیکه جلد سوم سراج چاپم را که دو سال قبل در دو جلد طبع شد دارند میتوانند با تهیه این جلد دوره سه جلدی سراج التواریخ را تکمیل نمایند.

**۴۸ هزار نفر از نیروهای ارتش سرخ در جریان اشغال افغانستان کشته شده اند**

مسکو خبرگذاری جمهوری اسلامی "پساول کراچف" وزیر دفاع روسیه اعتراف کرد که شوروی سابق در طول جنگ داخلی افغانستان ۱۴ هزار و ۴۵۲ نفر از اتباع خود را از دست داده است.

وزیر دفاع روسیه روز سه شنبه در مراسمی که به مناسبت پنجمین سال خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان در کاخ کرملین سخن می گفت، یادآور شد علاوه بر افراد مذکور تعداد ۱۳ هزار و ۸۸۳ سرباز و افسر نیز در صحنه های نبرد جان خود را از دست دادند.

به گفته وی درین جنگ که ۹ سال و ۵۱ روز بطول انجامید ۵۴۵ هزار نفر از نیروهای نظامی شوروی سابق شرکت داشتند. میخائیل گورباچف آخرین رهبر شوروی سابق که پنج سال پیش فرمان خروج نیروهای نظامی شوروی را از خاک افغانستان صادر کرد درین مراسم حضور داشت.

**بقبه از: ملاقات وزیر خارجه پاکستان با...**

غرور انکیژمار از پرسئوال قرار داد و همچنین امیدوی که پیش از شکست روسها در افغانستان برای سایر ملت های مسلمان جهت تشکیل یک حکومت اسلامی بوجود آمده بود به ناامیدی مبدل شد و از این روماشدیدا "متاثر شدیم". استاد مزاری در قسمت دیگری از سخنانش فرمودند: حزب وحدت اسلامی معتقد است چنانچه در جهاد چهارده ساله همه احزاب اقوام و مذاهب شریک بودند، در تشکیلات حکومت آینده و تصمیم گیری آینده کشور هم شریک باشند، روحیه انحصار طلبی از بین برود و همه حق را قبول کنند، مردم افغانستان چهارده سال جهاد کردند و اکنون به هیچ وجه نمیتواند حکومت یک حزبی و یک قوم را تحمل کند، راه حل قضیه افغانستان تشکیل یک حکومت وسیع است: استاد مزاری افزود حزب وحدت اسلامی بر اساس همین سیاست بنانهاده شده به مصالح علیای کشور سال گذشته در اجلاسیکه از سوی دولت پاکستان در اسلام آباد ترتیب یافته بود و این وعده را مسئولین دولت پاکستان بمانده بودند که

به نقش حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی اسلامی توجه خواهد شد، اما این موضوع عملی نشد و با توجه به تفاوت احزاب از نظر کمی و کیفی هم یکسان عمل شد و ما بخاطر احترام به مصالح افغانستان و کشور پاکستان این توافق نامه را امضا کردیم، پس از امضای توافقنامه اسلام آباد رهبران برای صلح به مکه مکرمه صفحه ۸

**طلوع وحدت**

جریده: سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری صاحب امتیاز: حزب وحدت اسلامی افغانستان زیر نظر: کمیون فرهنگی مدیر مسئول: م، ط - حاجی نظری آدرس پستی: کویته پاکستان پست باکس نمبر (۱۲۲) فاکس نمبر ۷۲۲۲۹